

مدیریت اثرات بازدیدکنندگان

استاد راهنما: دکتر محمود ضیایی

نگارنده: معصومه توحید لو

درس: ارزیابی طرح های گردشگری، دانشگاه علامه طباطبائی

mtohidlou@yahoo.com

اکوتوریسم و بازدید از مناطق حفاظت شده، در بعضی مناطق موجب بروز اثرات اکولوژیکی شده است، که بعضی مدیران مناطق حفاظت شده به این مساله با به کارگیری چهارچوبهای مدیریت اثرات بازدیدکننده، پرداخته اند. در این مقاله، یک چهارچوب مدیریت مناطق حفاظت شده (PAVIM)، به عنوان جایگزینی برای ظرفیت تحمل و سایر چهارچوبها مثل محدوده تغییرات قابل قبول، پیشنهاد می شود. در این مقاله از مجموعه ای از معیارهای ارزیابی برای مقایسه وجوه نسبتا مثبت و منفی ظرفیت تحمل، سایر چهارچوبهای جایگزین و چهارچوب پیشنهادی در زمینه ی استفاده واقعی و بالقوه از آنها در امریکای مرکزی و جنوبی استفاده می شود. وجوه مثبت PAVIM شامل ساده بودن، قابل انعطاف بودن، مقرون به صرفه بودن، کم زمان بودن، و واردکردن سهم ذینفعان و ساکنین محلی است. وجوه منفی شامل ازبین بردن موضوعات حساس فرهنگی و ذهنی بودن است. تحقیق بیشتر در مورد PAVIM و کاربرد آن توصیه می شود.

مدیریت اثرات بازدیدکنندگان

معصومه توحیدلو^۱

۱- مقدمه

رابطه بین مناطق حفاظت شده و گردشگری به اندازه تاریخچه این مناطق قدمت دارد. مناطق حفاظت شده نیازمند گردشگری هستند و گردشگری نیز به آن ها احتیاج دارد. گرچه این رابطه، پیچیده و گاهی متناقض است ولی گردشگری همیشه جزء مهمی در ایجاد و مدیریت مناطق حفاظت شده به شمار می رود.

هدف اصلی، اطمینان از این موضوع است که گردشگری به اهداف مناطق حفاظت شده کمک کند و موجب تخریب آن ها نشود. با آن که مدیران و برنامه ریزان مناطق حفاظت شده می توانند کارهای زیادی برای ایجاد رابطه سازنده تر با بخش گردشگری انجام دهند، ولی خودشان هم در محیط های حقوقی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی فعالیت می کنند که آزادی آن ها را محدود می سازد. علاوه براین، عوامل بسیاری که خارج از حیطه تاثیرگذاری مدیران پارک است، خود گردشگری را به عقب می رانند.

با وجود همه این مسائل، مدیران می توانند و باید نقشی حیاتی ایفا کنند. آن ها به واسطه همکاری با طیف وسیعی از ذینفعان و به ویژه جوامع محلی و صنعت می توانند کارهای زیادی انجام دهند که تضمین کند گردشگری بر پارک و مردمی که در آن یا نزدیک آن زندگی می کنند تاثیرگذار است.

۲- مناطق حفاظت شده

۲-۱- تاریخچه مناطق حفاظت شده

مناطق حفاظت شده ساخته فرهنگی بشرند و تاریخچه ای طولانی دارند. به عنوان مثال بعضی از مورخان ادعا می کنند که بیش از دوهزار سال پیش، مناطقی از هند مخصوصا به حفاظت از منابع طبیعی اختصاص یافته بود. در اروپا و تقریبا در هزار سال پیش از برخی نواحی به عنوان شکارگاه افراد ثروتمند و بانفوذ محافظت می شد. علاوه بر این، ایده حفاظت از مناطق ویژه، ایده ای است جهانی که به عنوان مثال بین سنت های جوامع اقیانوس آرام (مناطق Tapu) و بخش هایی از آفریقا (بیشه های مقدس) دیده می شود.

درحالیکه بسیاری جوامع، نواحی ویژه ای را برای استفاده های فرهنگی و منابع طبیعی اختصاص می دادند، در ابتدا پادشاهان و دیگر حاکمان اروپایی اوایل دوران رنسانس بودند که ذخیره گاه های سلطنتی شکار را به عنوان مناطق حفاظت شده کنار گذاشتند. به مرور استفاده از این اماکن برای عموم آزاد شد و پایه جذب جامعه و گردشگری را فراهم ساخت.

در ۱۸۶۴، کنگره آمریکا همراه با Yosemite Grant بخش کوچک ولی مهمی از پارک ملی Yosemite فعلی را به ایالت کالیفرنیا به منظور "استفاده عمومی، تفریح و تفرج" واگذار کرد. قانون ایالات متحده با اختصاص Yellowstone "به عنوان یک پارک عمومی یا گردشگاه برای استفاده و بهره مندی مردم"، نخستین پارک ملی واقعی را در ۱۸۷۲ به وجود آورد.

^۱ کارشناسی ارشد مدیریت جهانگردی، گرایش بازاریابی - دانشگاه علامه طباطبایی

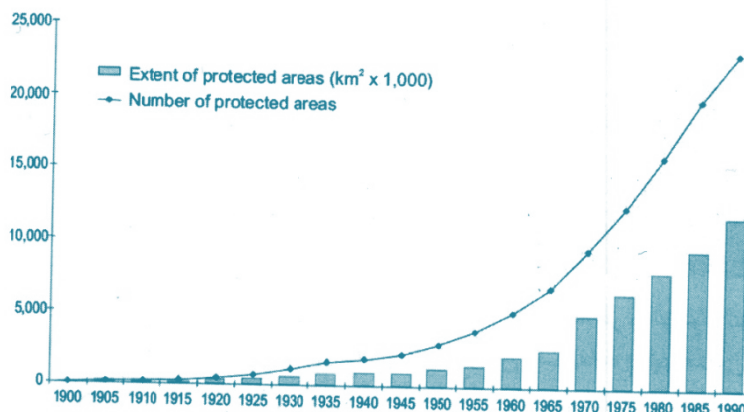
در ۱۸۸۶، کلونی بریتانیایی New South Wales در استرالیا، ۲۰۰۰ هکتار (تقریباً ۵۰۰۰ آکر) که شامل Jenolan Caves در غرب سیدنی می شد را به حفاظت و گردشگری اختصاص داد. الحاقات بعدی به آن، مجموعه ای پارک به وجود آورد که امروزه به نام پارک ملی Blue Mountains معروف است. در ۱۸۷۹ پارک ملی Royal باز هم در New South Wales در نواحی بکر جنوب سیدنی ایجاد شد تا یک منطقه تفرجی طبیعی برای جمعیت رو به رشد این ناحیه شهرنشین فراهم شود. در ۱۸۸۵، چشمه های آبگرم موجود در Bow Valley در کوههای راکی کانادا تحت حفاظت قرار گرفت و بعدها پارک ملی Banff نامیده شد. قانون مصوب ۱۸۸۷ این پارک، جمله بندی حقوقی yellowstone را برای این پارک اقتباس کرد: این پارک "به عنوان پارک تفریحگاهی عمومی برای استفاده، فایده و بهره‌مندی مرئم کانادا اختصاص یافت". شرکت های راه آهن که در سراسر کشور در حال گسترش بودند، ایجاد پارک را راهی عالی برای افزایش تعداد مسافران از راه گردشگری یافتند.

در دیگر مناطق دنیا و در سال های آخر قرن نوزدهم، چندین ذخیره گاه جنگلی در آفریقای جنوبی ایجاد شد. در ۱۸۹۴، پارک ملی Tongariro در زلاندنو با موافقت مردم مائوری ایجاد شد، یعنی جایی که به دلایل مذهبی برای آنها مهم بود و هنوز نیز اهمیت دارد.

این گونه پارک های ملی اولیه، شکل عمومی داشتند. نخست آن که به واسطه فعالیت دولت ایجاد می شدند. دوم، این نواحی اختصاص یافته عموماً بزرگ و دربرگیرنده محیط های به نسبت طبیعی بودند. سوم آن که این پارک ها در دسترس همه مردم بود. بنابراین از همان ابتدا بازدید از پارک ها و گردشگری از ارکان اصلی نهضت پارک های ملی به شمار می رفت. در کشورهای بزرگ و فدراتیو مانند استرالیا، کانادا، آفریقای جنوبی و آمریکا، ایالات یا استان ها نیز شروع به ایجاد مناطق حفاظت شده کردند.

هرچه پارک های بیشتری تاسیس می شد، ایجاد یک ساختار مدیریتی هماهنگ ضروری تر به نظر می رسید. در سال ۱۹۱۱، کانادا نخستین سازمان پارک ها در دنیا یعنی اداره پارک های Dominion را تاسیس کرد. سازمان پارک های ملی آمریکا نیز در سال ۱۹۱۶ تاسیس شد. فلسفه مدیریتی اینسازمان هردو مورد استفاده و نیز حفاظت از محیط زیست را دربرمی گرفت.

از همان آغاز کار نیز مشخص بود که کشورهای مختلف آماده بودند تا از یکدیگر راجع به چگونگی تاسیس و اداره پارک ها نکاتی یاد بگیرند. بدین ترتیب نهضت مدرن مناطق حفاظت شده ریشه در قرن نوزدهم و کشورهای "جدید" استرالیا، کانادا، نیوزیلند، آفریقای جنوبی و آمریکا دارد ولی این ایده در قرن بیستم در سراسر دنیا گسترش یافت. نتیجه آن افزایش قابل توجه تعداد مناطق حفاظت شده بود. تقریباً همه کشورها قانون مناطق حفاظت شده را تصویب و مکان هایی را به حفاظت اختصاص دادند. روی هم رفته تا سال ۲۰۰۲ بعضی از ۴۴۰۰۰ سایت موجود، مشمول تعریف مورد نظر اتحادیه جهانی حفاظت راجع به مناطق حفاظت شده می شدند. این نواحی مجموعاً حدود ده درصد سطح کره زمین را می پوشانند. شکل ۱ رشد تعداد و مساحت مناطق حفاظت شده را نشان می دهد.



شکل ۱. رشد مناطق حفاظت شده از ۱۹۰۰ تا به حال

۲-۲- سود بالقوه گردشگری در مناطق حفاظت شده

گردشگری در مناطق حفاظت شده سود و هزینه دارد. این گونه اثرات غالبا به صورت پیچیده باهم تعامل دارند و مسولیت کسب حداکثر سود درعین کاهش هزینه ها برعهده برنامه ریز مناطق حفاظت شده است.

مناطق حفاظت شده از آغاز برای حفاظت از برخی انواع فرایندها ویا شرایط بیوفیزیکی مثل جمعیت حیات وحش، زیستگاهها، چشم اندازهای طبیعی یا میراث های فرهنگی مانند سنت های فرهنگی جوامع به وجود آمدند (جدول ۲). گردشگران از این مناطق بازدید می کنند تا از ارزش هایی که منطقه به خاطر آن تاسیس شده است آگاهی یابند، قدر ارزش های آن را بدانند و از منطقه استفاده شخصی نیز ببرند. اهداف برنامه ریزی و توسعه گردشگری استفاده از علاقه مندی گردشگران است تا بدین ترتیب فرصت های اقتصادی افزایش یابد، از میراث طبیعی و فرهنگی محافظت شود و کیفیت زندگی تمام ذینفعان بهبود یابد.

درمورد افزایش فرصت های اقتصادی برای نمونه، کاستاریکا ذکر می شود:

۲-۲-۱- سیستم مناطق حفاظت شده کاستاریکا: نمونه ای از مناطق حفاظت شده که بنیان صنعت موفق اکوتوریسم را ایجاد کرده اند

پارک های ملی، پناهگاههای حیات وحش و ذخیره گاههای زیستی کاستاریکا بیش از ۶۳۰۰۰۰ هکتار یا بیش از ۲۵٪ این کشور را تشکیل می دهند. طی دهه ۱۹۷۰، دولت بیشتر این زمینها را خرید و تحت مدیریت قرار داد ولی در دهه ۱۹۸۰، بحران اقتصادی پدید آمد و در دهه ۱۹۹۰، کمک های بلاعوض بین المللی کاهش یافت. دولت تصمیم گرفت ورودیه پارکهای ملی را افزایش دهد. علاوه براین، یک سیستم پرداخت ورودیه دوگانه نیز ایجاد شد تا بدین ترتیب گردشگران خارجی مبلغ بیشتری نسبت به گردشگران داخلی بپردازند. علی رغم افزایش هزینه ها، پارک های کاستاریکا همچنان به عنوان یک مقصد گردشگری بین المللی پرتعداد باقی مانده اند. در سال ۱۹۹۹، ۱/۰۳ میلیون گردشگر بین المللی وارد این کشور شدند و اگر مقادیر سال ۱۹۹۶ را معیار در نظر بگیریم، ۶۶٪ این گردشگران از مناطق حفاظت شده بازدید کردند. در حال حاضر درآمدهای گردشگری کاستاریکا به بیش از ۱ میلیارد دلار آمریکا می رسد و این پارک های ملی هستند که اساس صنعت موفق اکوتوریسم را تشکیل می دهند.

۲-۳- خطرات بالقوه گردشگری در مناطق حفاظت شده

بازدید گردشگران می تواند اثرات منفی داشته باشد و واقعا نیز دارد ولی بسیاری از آنها را می توان به گونه ای مناسب مدیریت کرد و کاهش داد. ذینفعان مناطق حفاظت شده در موقعیتی قرار دارند که می توانند اثرات مثبت و منفی گردشگری را بسنجند، مقدار قابل قبول بودن اثرات منفی را تعیین کنند و روش های مدیریتی پیشنهاد دهند. هزینه های گردشگری سه دسته است: مالی و اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، و زیست محیطی.

۲-۳-۱- پارک ملی Royal Chitwan نپال: نمونه ای از صنعت مهم گردشگری با سود محلی ناکافی

در سال ۱۹۹۴، این پارک ملی بیش از ۶۰ هزار بازدیدکننده و علی رغم این، اثرات اقتصادی ناچیزی بر مردم بومی داشت و به روستاهای نزدیک ورودی اصلی پارک محدود می شد. مطالعه ای نشان داد که از حدود ۸۷ هزار نیروی آماده به کار که نزدیک پارک زندگی می کردند کمتر از ۱۱۰۰ نفر مستقیما در صنعت اکوتوریسم شاغل بودند. این گزارش نشان می داد که تنها ۶ درصد از خانواده های مورد مطالعه درآمد سالانه خود را مستقیم یا غیرمستقیم از اکوتوریسم به دست می آوردند. درواقع حتی حقوق سالانه این خانواده ها از اکوتوریسم فقط

۶۰۰ دلار بود. بنابراین شناخت بیشتر از منافع اقتصادی حاصل و مناسب، بسیار مهم است. برنامه ریزان نباید انتظارات غیرواقعی درباره ی پیامدهای اقتصادی گردشگری ایجاد کنند.

۴-۲- سیستم طبقه بندی مدیریت مناطق حفاظت شده اتحادیه جهانی حفاظت

در سال های اخیر نظریه مناطق حفاظت شده توسعه زیادی یافته است و درحال حاضر ایده های مختلفی را دربرمی گیرد. با این وجود، اتحادیه جهانی حفاظت با تعریفی واحد از مناطق حفاظت شده به صورت زیر موافقت کرده است:

ناحیه ای از زمین و یا دریا که مخصوصا به حفاظت و نگهداری از تنوع زیستی و منابع طبیعی و فرهنگی مرتبط با آن اختصاص داده شده است و با روش های قانونی یا دیگر روش های درآمد، تحت مدیریت قرار می گیرد.

درحقیقت و در این تعریف گسترده، مناطق حفاظت شده از نظر اهداف بسیار متفاوتی مدیریت می شوند. اتحادیه جهانی حفاظت برای کمک به بهبود شناخت و ترویج آگاهی درباره ی اهداف مناطق حفاظت شده، سیستم طبقه بندی شش بخشی با اهداف اولیه مدیریتی آن ها را ایجاد کرده است (جدول ۱).

سیستم طبقه بندی اتحادیه جهانی حفاظت برای مدیریت مناطق حفاظت شده براساس اهداف اولیه مدیریتی است. جدول ۲ نشان می دهد که چگونه می توان برای تشخیص مناسب ترین طبقه از تجزیه و تحلیل اهداف مدیریتی استفاده کرد.

طبقه	تعریف
I	ذخیره گاه طبیعت محض/ منطقه بکر و وحشی: منطقه حفاظت شده ای که عمدتا برای مطالعات علمی یا حفاظت از طبیعت وحش مدیریت می شود.
Ia	ذخیره گاه طبیعت محض: منطقه حفاظت شده ای که عمدتا برای مطالعات علمی مدیریت می شود.
Ib	منطقه بکر و وحشی: منطقه حفاظت شده ای که عمدتا برای مطالعات علمی یا حفاظت از طبیعت وحش مدیریت می شود.
II	پارک ملی: منطقه حفاظت شده ای که عمدتا برای حفاظت از اکوسیستم و تفرج مدیریت می شود.
III	اثر طبیعی: منطقه حفاظت شده ای که عمدتا برای حفاظت از سیمای طبیعی ویژه مدیریت می شود.
IV	منطقه مدیریتی زیستگاه ها و گونه ها: منطقه حفاظت شده ای که عمدتا برای حفاظت از راه دخالت مسؤولانه مدیریت می شود.
V	چشم اندازهای خشکی و دریایی حفاظت شده: مناطق حفاظت شده ای که عمدتا برای حفاظت از چشم اندازهای خشکی و دریایی و تفرج مدیریت می شود.
VI	منطقه حفاظت شده برای مدیریت منابع: منطقه حفاظت شده ای که عمدتا برای استفاده پایدار از اکوسیستم های طبیعی مدیریت می شود.

جدول ۱. سیستم طبقه بندی اتحادیه جهانی حفاظت برای مدیریت مناطق حفاظت شده

اهداف مدیریت	Ia	Ib	II	III	IV	V	VI
پژوهش علمی	۱	۳	۲	۲	۲	۲	۳
حفاظت از طبیعت وحش	۲	۱	۲	۳	۳	-	۲
حفظ گونه‌ها و تنوع ژنتیکی (تنوع زیستی)	۱	۲	۱	۱	۱	۲	۱
حفظ خدمات زیست محیطی	۲	۱	۱	-	۱	۲	۱
حفاظت از سیمای طبیعی و فرهنگی ویژه	-	-	۲	۱	۳	۱	۳
گردشگری و تفرج	-	۲	۱	۱	۳	۱	۳
آموزش	-	-	۲	۲	۲	۲	۳
استفاده پایدار از منابع اکوسیستم‌های طبیعی	-	۳	۳	-	۲	۲	۱
حفظ ویژگی‌های بارز سنتی و فرهنگی	-	-	-	-	-	۱	۲

راهنما: ۱-هدف اولیه، ۲-هدف ثانویه، ۳-هدف بالقوه قابل دستیابی، - قابل دستیابی نیست

جدول ۲. ماتریس اهداف اولیه مدیریت و طبقه بندی مدیریت مناطق حفاظت شده اتحادیه جهانی حفاظت

جدول بالا نشان می دهد که بعضی از انواع تفرج و گردشگری احتمالا در تمام طبقات مناطق حفاظت شده به جز طبقه Ia (ذخیره گاه طبیعت محض) به عنوان یک هدف مدیریتی وجود دارند. همچنین بیانگر آن است که اگرچه حفاظت از تنوع زیستی یک کارکرد مهم و حیاتی در بسیاری از مناطق حفاظت شده است ولی به هیچ وجه هدف اصلی و غالبا هدف اولیه مناطق حفاظت شده نیست. هرچند لازمه تعریف اتحادیه جهانی حفاظت آن است که تمام مناطق حفاظت شده باید همیشه خط مشی ویژه ای در قبال حفاظت از تنوع زیستی داشته باشند. بسیاری از پارک ها یادبودهای تاریخی و فرهنگی به عنوان اجزای اصلی مدیریت دارند و غالبا مقصدهای بسیار مهم گردشگری به شمار می روند. به هرحال مناطق حفاظت شده ای که عمدتا به دلایل فرهنگی یا تاریخی تاسیس شده اند در طبقه بندی اتحادیه جهانی حفاظت (جداول ۱ و ۲) جایی ندارند مثل پارک های ملی تاریخی بزرگ آمریکا و کانادا.

سیستم طبقه بندی و تعریف اتحادیه جهانی حفاظت، مناطق حفاظت شده دریایی را نیز دربرمی گیرد. در سال های اخیر به دلیل توجه به ضرورت حفظ محیط زیست دریایی است که این محیط ها اهمیت پیدا کرده اند.

خود تعیین و بیان اهداف مناطق حفاظت شده ضامن بقای ارزش آن ها نیست. بنابراین آمار تعداد و اندازه این مناطق می تواند گمراه کننده باشد زیرا وضع حفاظتی یکدست و واحدی ندارند و اهداف مدیریتی زیاد و متفاوتی دارند. از همه مهم تر، مدیریت آن ها در سطوح تاثیرگذاری متفاوتی انجام می شود. همه با این موضوع موافقت که تلاش بیشتری برای بهبود اثرگذاری مدیریت مناطق حفاظت شده لازم است. بنابراین خیلی مهم است که برای فعالیت های گردشگری نوعی الگو و استراتژی مدیریتی اجرا شود تا ضامن حفظ و حمایت از ارزش های طبیعی و فرهنگی مناطق حفاظت شده باشد. مدیران مناطق برای حفاظت از ارزش های طبیعی و فرهنگی و اجتماعی، دستور و مسولیت دارند. درعین حال باید برای گردشگری و تفرج دسترسی کافی و مناسب به منابع نیز فراهم کنند. این موضوع چالشی است واقعی

که مستلزم تصمیم گیری دشوار راجع به سبک و سنگین کردن بین توسعه گردشگری، حفاظت از ارزش ها و علاقه مندی جوامع محلی است.

۳- اصول مدیریت بازدیدکنندگان در مناطق حفاظت شده

گردشگری پایدار به کیفیت منابع طبیعی و فرهنگی منطقه حفاظت شده بستگی دارد. اثرات بازدید از منابع باید به دقت و در هر کجا که ممکن است مدیریت، کنترل و کم شوند. تمام استفاده های تفرجی اثراتی ایجاد می کنند و حتی مقادیر کم استفاده تفرجی می تواند منجر به اثرات منفی شود. برخی پیامدهای گردشگری منطقه حفاظت شده مثلا درآمدزایی ممکن است مطلوب و درواقع دلیل ایجاد پارک باشد. بنابراین سطح مشخصی از اثرات، قابل قبول است. سوال پیش روی برنامه ریزی گردشگری پارک تعیین این است که چه درجه ای از اثرات قابل قبول می باشد. چنین تصمیماتی وقتی علمی باشند نشان دهنده ی داوری ارزشی (قضاوت بر مبنای ارزش های شخصی) درباره ارزش نسبی مبادله و انتخاب بین گزینه های پیچیده آن هاست. چه مقدار آسیب به محیط طبیعی، ارزش درآمد مثبت اقتصادی و کیفیت زندگی حاصل از گردشگری را دارد؟ اگر گردشگری پارک وجود نداشت و از منابع استفاده دیگری می شد چه اثراتی بر منابع طبیعی و فرهنگی پدید می آمد؟ برای کمک به پاسخ این گونه سوالات برخی اصول مهم مدیریت بازدیدکنندگان در جدول ۳ نشان داده شده است.

اصول	توضیحات
مدیریت مناسب به اهداف بستگی دارد	« اهداف، گزارش قاطع درباره نتایج مدیریت منطقه حفاظت شده ارائه می‌دهند « اهداف، متناسب بودن فعالیت‌های مدیریتی را تعیین می‌کنند و منابع قابل قبول و شرایط اجتماعی را نشان می‌دهند « اهداف، ارزش‌یابی میزان موفقیت فعالیت‌های مدیریتی را امکان پذیر می‌سازند « اهداف ویژه احتمالا نسبت به بیان ارزش‌های عمومی بحث برانگیزتر هستند « فرایند تعیین اهداف اساسا مقوله ای سیاسی است بنابراین مشارکت عمومی امری ضروری می‌باشد
تنوع منابع و شرایط اجتماعی در مناطق حفاظت شده اجتناب‌ناپذیر است و ممکن است مطلوب باشد	« اثرات، مقدار استفاده و انتظارات راجع به شرایط مناسب، تغییر می‌کنند (مثلا اثرات یک کمپ در محیط اطراف در مقابل مرکز منطقه حفاظت‌شده) « متغیرهای زیست‌محیطی، استفاده بازدیدکنندگان و سطح اثرات را تحت تاثیر قرار می‌دهند (مثلا توپوگرافی، پوشش گیاهی، دسترسی) « مدیران می‌توانند این تنوع را تشخیص دهند سپس راجع به شرایط مطلوب آن تصمیم بگیرند، در نتیجه تصمیمات فنی را از تصمیمات حقوقی جدا سازند « احتمال بیشتری وجود دارد که استفاده از ناحیه‌بندی برای فرصت‌های تفرجی متفاوت، ارزش‌های مهم را حفظ کند
مدیریت، تاثیر تغییرات با منشا انسانی را مد نظر دارد	« مناطق حفاظت‌شده غالبا از خصوصیات و فرآیندهای طبیعی حفاظت می‌کنند بنابراین گرایش مدیریت عموما به سمت مدیریت تغییرات با منشا انسانی است چون باعث بیشتر آسیب‌ها می‌شود « تغییرات با منشا انسانی ممکن است شرایط نامطلوب به وجود آورند « برخی تغییرات، مطلوب و ممکن است دلیل تاسیس پارک باشند مثلا بسیاری از پارک‌ها برای ارائه فرصت‌های تفرجی و توسعه اقتصاد محلی ایجاد شده‌اند « فعالیت‌های مدیریتی تعیین می‌کنند چه کارهایی در تاثیر بر مقدار، نوع و مکان تغییرات بیشترین کارایی را دارند
اثرات بر منابع و شرایط اجتماعی پیامدهای اجتناب‌ناپذیر کاربردهای انسانی هستند	« حتی مقادیر کوچک کاربردهای تفرجی می‌تواند منجر به عدم تناسب اثرات بیوفیزیکی یا اجتماعی شود بنابراین هر نوع استفاده اثراتی را ایجاد می‌کند « طرح بسیاری از اثرات، هدفمند است مثلا سطح معینی از آموزش زیست‌محیطی را برای بازدیدکنندگان پارک فراهم می‌کند « مدیران باید از خود بپرسند که: «چه سطحی قابل قبول یا مطلوب است؟» « فرایند تعیین قابل قبول بودن اثرات برای مدیریت و برنامه‌ریزی کلیه بازدیدکنندگان اهمیت دارد « مدیران باید فعالیت‌های مناسبی را برای ایجاد و مدیریت سطح قابل قبول اثرات به کار برند

« اثرات استفاده بازدیدکنندگان یا فعالیت‌های مدیریتی ممکن است خارج از منطقه حفاظت‌شده اتفاق بیفتد یا تا مدت‌ها بعد قابل مشاهده نباشد (مثلاً ممنوعیت استفاده، آن نوع کاربرد را به مناطق دیگر می‌کشاند یا این که تصفیه نامناسب آب منجر به آلودگی آب پایین دست می‌شود) » « برنامه‌ریزان باید از رابطه بین استفاده و اثرات آگاهی کافی داشته باشند تا روابط را در انواع مقیاس‌ها و در طول زمان پیش‌بینی کنند »	اثرات ممکن است تأیید شده مکانی یا زمانی باشند
« بسیاری از متغیرها پیش از سطح استفاده، رابطه بین استفاده/اثر در مناطق حفاظت‌شده را تحت تأثیر قرار می‌دهند (مثلاً رفتار بازدیدکنندگان، روش سفر، اندازه گروه، فصل‌ها و شرایط بیوفیزیکی) » « ممکن است علاوه بر محدودیت استفاده، وجود برنامه‌های اطلاع‌رسانی و آموزشی و نیز قوانین و مقرراتی که هدف آن‌ها محدودیت رفتار بازدیدکنندگان است ضروری و لازم باشد »	متغیرهای زیادی رابطه استفاده/اثر را تحت تأثیر قرار می‌دهند
« مسائل مدیریتی که مربوط به تراکم استفاده انسانی هستند، غالباً راه حل‌های فنی نسبتاً ساده‌ای دارند (مثلاً پارکینگ، توالت، منبع آب). ولی این رابطه همیشه ارتباط خطی با کاربرد ندارد. مثلاً امکانات طراحی شده برای تعداد کمی بازدیدکننده ممکن است اثرات بسیار زیادی داشته باشد ولی امکاناتی که برای تعداد زیادی بازدیدکننده طراحی شده است به صورت متناسبی اثرات اضافی کمتری دارد » « به طور مشابه، شرایط اجتماعی (مثلاً رضایت بازدیدکنندگان) همیشه به تراکم وابسته نیست »	بسیاری از مشکلات مدیریتی ارتباطی به تعداد بازدیدکنندگان ندارد
« خط‌مشی استفاده محدود تنها یکی از اعمال مدیریتی بالقوه و یکی از تحمیلی‌ترین فعالیت‌هاست که مدیران می‌توانند به کار ببرند » « مسائل بسیار زیادی در کاربرد محدودیت استفاده دخیل هستند مثل انتخاب روش‌های تخصیص یا سهمیه بندی مناسب » « به دلیل تصمیمات لازم درباره این که چه کسی دسترسی نداشته باشد و دسترسی چگونه باشد، محدودیت استفاده می‌تواند مشکلات سیاسی عمده‌ای ایجاد کند »	محدودیت استفاده تنها یکی از گزینه‌های مدیریتی است
« بسیاری از تصمیمات مدیریتی منطقه حفاظت‌شده فنی است (مثلاً مکان تریل، طراحی مرکز بازدیدکنندگان) ولی بقیه نشان‌دهنده ارزش داوری هستند (تصمیمات راجع به محدودیت استفاده و چگونگی آن، انواع امکانات، فرصت‌های گردشگری) » « فرآیند تصمیم‌گیری باید «شرایط موجود» را از «شرایط دلخواه» جدا کند »	فرآیند تصمیم‌گیری باید تصمیمات فنی را از داوری ارزشی جدا سازد

۴- الگوهای مدیریت منطقه حفاظت شده

در دهه ۱۹۷۰ ظرفیت تحمل به عنوان یک تکنیک مدیریت گردشگری در محیط های حساس مطرح شد. این موضوع باعث تشویق مدیران به تلاش برای حل مشکلات ناشی از استفاده های گردشگری به وسیله اعمال محدودیت برای نفرات و براساس سطح ازپیش تعیین شده گردید که از آنالیز اکولوژیکی، اجتماعی و دیگر موارد به دست می آمد. به هرحال، این راهکار محدودیت های جدی دارد و دراصل مفهومی محدودکننده براساس محدودیت و فشار است.

به منظور ارائه راهکارهای مدیریتی مناطق حفاظت شده، این مناطق به عنوان منطقه های طبیعی (چه در خشکی و چه دریایی) تعریف می شوند که با اهداف زیر طراحی شده اند:

- (۱) یکپارچگی اکولوژیکی اکوسیستمهای موجود را برای نسل موجود و نسلهای آتی حفظ نمایند؛
- (۲) محلی باشند برای کسب آرامش، تفرج و آموزش گردشگران (IUCN, ۱۹۹۴).

درنتیجه می توان به ظرفیت تحمل، به عنوان عاملی برخلاف اهداف منطقه حفاظت شده که برای تشویق لذت جویی بازدیدکنندگان و ارزش بخشیدن به منابع طراحی شده است نگریست. زمانی که محدودیت های این راهکار مشخص شد، الگوهای پیچیده تری برای ساختار مدیریت گردشگری و بازدید از منطقه حفاظت شده توسعه یافت.

برخی الگوها که در نقاط مختلف دنیا استفاده شده اند عبارتند از:

- ۱- محدودیت تغییرات قابل قبول (LAC)
- ۲- مدیریت اثرات بازدیدکنندگان (VIM)
- ۳- تجربه بازدیدکنندگان و حفاظت از منابع (VERP)
- ۴- فرایند مدیریت فعالیت بازدیدکنندگان (VAMP)
- ۵- طیف فرصتهای تفرجی (ROS)
- ۶- مدل بهینه سازی گردشگری (TOMM)

مزایا و معایب و مقایسه این الگوها در جدول ۴ ارائه شده است.

ویژگی ها	محدوده اصلی کاربرد	بازدیدکنندگان قابلیت ارزیابی و یا به حداقل رساندن اثرات	توجه به عوامل اصلی چندگانه اثرات	تسهیل در انتخاب انواع فعالیت های مدیریتی	انتخاب تصمیمات قابل دفاع	جداسازی تصمیمات فنی از دآوری	تشویق مشارکت عمومی و یادگیری مشترک	تلفیق منابع محلی و مسائل مدیریتی	نیاز به برنامه ریزی	کارایی کلی براساس تجربه
مدل مدیریت بهینه سازی گردشگری	سیستم استرالیا، ولی در جوامع با گردشگری متکی بر طبیعت نیز کاربرد دارد	+	+	+	+	+	+	+	---	--
طیف فرصت های تفریحی	هر منطقه حفاظت شده یا منطقه با کاربرد چندمنظوره همراه با گردشگری متکی بر طبیعت فعلی	+	+	+	+	+	+	+	--	---
فرآیند مدیریت فعالیت بازدیدکنندگان	پارک های ملی اولیه کانادا، ولی در جاهای دیگر نیز کاربرد دارد	+	+	+	+	+	+	+	---	-
تجربه بازدیدکنندگان و حفاظت از منابع	پارک های ملی اولیه در آمریکا	+	+	+	+	+	+	+	--	-
مدیریت اثرات بازدیدکنندگان	سایت های درون مناطق حفاظت شده	+	+	+	+	+	+	+	-	-
محدودیت تغییرات قابل قبول	مناطق حفاظت شده، به ویژه طبقه Ib	+	+	+	+	+	+	+	--	---

جدول ۴. ارزیابی مدل های مدیریت بازدیدکنندگان

هنگام استفاده از این راهکارها مشکلات زیر پدید می آید:

- اجرای همه آن ها نیازمند پرسنل، هزینه و زمان است
- غالبا راجع به آگاهی از اثرات بازدیدکنندگان اختلاف نظر وجود دارد بنابراین قضاوت باید به اجبار به صورت ذهنی یا با اطلاعات محدود انجام شود

➤ فعالیت های مدیریتی مورد نظر همیشه به کار نمی رود، حتی زمانی که به دلیل نبود کارکنان یا زمانی که مدیریت مایل به روبرو شدن با انتخاب های سخت نیست، محدودیت ها بسیار بیشتر است

مدیرانی که مایل به استفاده از این الگوها هستند باید از اسناد و مدارک مربوطه اطلاعات کسب کنند و با برنامه ریزان باتجربه تماس بگیرند.

در اینجا به معرفی و بیان ویژگیهای برخی از تکنیکهای مدیریت اثرات گردشگری می پردازیم.

۴-۱- محدوده تغییرات قابل قبول^۲ (LAC)

توسعه اهداف گردشگری در مناطق حفاظت شده امری ضروری است. تمامی فعالیتهای بعدی مانند ساخت و سازها، ایجاد تسهیلات تفرجی و تعیین سطوح و چگونگی خدمات گردشگری از این اهداف سرچشمه می گیرند.

LAC، روشی را جهت انجام این کار پیشنهاد می کند که تمرکز زیادی بر ارتباطات میان سطوح استفاده و اثرات ندارد بلکه بر تعیین شرایط مناسب زیست محیطی و اجتماعی و فرهنگی فعالیتهای دیدارکنندگان و کارهای لازمی که مدیریت باید انجام دهد تا به این شرایط دست پیدا نماید، تاکید دارد. برای این منظور از فرایندی نظام مند، شفاف، منطقی و قابل دفاع و مستلزم مشارکت عمومی استفاده می نماید. پیاده سازی این فرایند نیاز به برداشتن گامهای نه گانه زیر دارد:

- شناسایی موضوعات و حوزه هایی که می تواند موجب بروز مشکلات احتمالی گردد؛

- شناسایی و توصیف مناطق یا کلاسهای تفرجی؛

- انتخاب شاخص های معرف شرایط اجتماعی؛

- بررسی وضعیت کنونی منابع طبیعی و شرایط اجتماعی؛

- تعیین استانداردهایی برای منابع و شرایط اجتماعی مناسب در هریک از کلاسهای تفرجی؛

- شناسایی کلاسهای تفرجی جایگزین؛

- شناسایی فعالیتهای مدیریت مناسب هریک از جایگزین ها؛

- ارزیابی و انتخاب گزینه پیشنهادی؛

- اجرای فعالیتهای و کنترل شرایط (Eagles et al. , ۲۰۰۲: ۱۶۷)

توضیحات گامهای نه گانه LAC در جدول زیر آمده است:

^۲-limits Of Acceptable change

جدول ۵. فرایند و راهکارهای LAC:

گامها	راهکارها	توضیح درمورد هدف
۱- شناسایی ارزش‌های ویژه، موضوعات و حوزه‌هایی که می‌تواند موجب بروز مشکلات احتمالی گردد	شهروندان و مدیران: • شناسایی ویژگیهای منطقه که نیازمند توجه می‌باشند • شناسایی مشکلات و نگرانی‌های کنونی مدیریت • شناسایی مشکلات عمومی: زیست محیطی، اجتماعی و اقتصادی • شناسایی نقشی که منطقه در سطح ناحیه‌ای و ملی ایفا می‌کند و محدودیتهای سیاسی و نهادی	تشویق به درک بهتر از منابع مبتنی بر طبیعت و چگونگی مدیریت این منابع و تمرکز بر موضوعات اصول مدیریت
۲- شناسایی و توصیف مناطق یا کلاسهای تفرجی	کلاسهای تفرجی، منابع طبیعی را توصیف می‌کنند که در آنها امکان حمایت کردن از منابع طبیعی و ویژگیهای گوناگون اجتماعی وجود دارد. • شناسایی مناطق دارای منابع طبیعی • توصیف شرایط گوناگون که باید موردحمایت قرار گیرند	توسعه این مناطق امکان تعریف نمودن طیفی از شرایط گوناگون را در داخل منطقه حفاظت شده فراهم می‌آورد.
۳- انتخاب شاخص‌های معرف شرایط اجتماعی	شاخص‌ها، عناصر ویژه‌ای از شرایط اجتماعی هستند که به عنوان معرفی از شرایطی که فرض می‌شود مناسب و موردقبول هریک از کلاسهای تفرجی است، انتخاب می‌شوند. • انتخاب شاخص‌هایی که اندازه‌گیری آنها معرف سلامت کلی منطقه باشد • استفاده از شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی	برای تعیین LAC انتخاب شاخص‌ها ضروری است زیرا شرایط آنها بطور کلی منعکس کننده شرایط کلاسهای تفرجی است و راهنمایی جهت بررسی وضعیت منطقه می‌باشند
۴- بررسی وضعیت کنونی منابع	• استفاده از شاخص‌های انتخابی	با نمایش داده‌های جمع‌آوری شده بر روی

طبیعی و شرایط اجتماعی	به منظور فهرست برداری منابع و شرایط اجتماعی • استفاده از داده های جمع آوری شده به منظور شناسایی محدودیتها و فرصتهای منطقه • تهیه نقشه جهت نمایش وضعیت شاخص ها از نظر موقعیت و شرایط	نقشه هم شرایط و هم موقعیت شاخص ها شناسایی می شود.
۵- تعیین استانداردهایی برای منابع و شرایط اجتماعی مناسب درهریک از کلاسهای تفرجی	• شناسایی طیفی از شرایط برای هریک از شاخص ها باتوجه به شرایط مناسب هریک از کلاسهای تفرجی • تعریف نمودن شرایط بگونه ای که قابل اندازه گیری باشند جهت مشخص نمودن حداکثر شرایط قابل قبول (حدود) • اطمینان حاصل نمودن از اینکه شرایط قابل دسترس و واقعی هستند	بنیان های لازم جهت تعیین طیفی از شرایط متفاوت را در مناطق حفاظت شده به منظور تعریف محدوده تغییرات قابل قبول، ارائه می نماید
۶- شناسایی کلاسهای تفرجی جایگزین	• شناسایی انواع گوناگون و موقعیت و زمان بندی جایگزین ها و انجام گامهای ۱ تا ۴ جهت تشخیص اینکه هرکدام از گزینه ها تا چه میزان منافع و شرایط موردنظر را برآورده می نمایند	ارائه روشهای جایگزین جهت مدیریت منطقه به گونه ای که به بهترین نحو ممکن نیازها و منافع را برآورده نموده و نگرانیها را برطرف نماییم.
۷- شناسایی فعالیتهای مدیریت مناسب هریک از جایگزین ها	• انجام تحلیل هزینه-فایده درمورد تمام جایگزین ها • شناسایی فعالیتهای مدیریتی مناسب جهت دستیابی به شرایط مورد نظر	این گام مستلزم انجام تحلیل هزینه-فایده درمورد تمام جایگزین ها می باشد
۸- ارزیابی و انتخاب گزینه پیشنهادی	• مرور منافع در برابر هزینه برای تک تک گزینه ها با توجه به منافع ذینفعان و عموم مردم • ارزیابی میزان تناسب هریک از	اتفاق نظر درخصوص انتخاب بهترین گزینه

	گزینه ها با موضوعات موردنظر • بیان شفاف عوامل موردنظر و اهمیت آنها در فرایند تصمیم گیری • انتخاب گزینه ارجح	
۹- اجرای فعالیتهای و کنترل شرایط اطمینان حاصل نمودن از قابل اجرا بودن راهبردهای مدیریتی از نظر زمانی، انجام کنترل های لازم جهت اطمینان از اثربخشی فعالیتهای اجرایی	• توسعه برنامه اجرایی به همراه فعالیتهای، هزینه ها، برنامه زمان بندی و مسولیتها • ارائه برنامه کنترل با تمرکز بر شاخص های تعیین شده در گام سوم • مقایسه شرایط شاخص ها با استانداردهای موجود جهت ارزیابی میزان موفقیت فعالیتهای	

ماخذ: ۸۳: ۲۰۰۲، Eaglest et. Al

۴-۲- مدیریت اثرات بازدیدکنندگان^۳ (VIM)

فرایندی است که بر سه موضوع اساسی در رابطه با اثرات نظارت می کند: شرایط مشکلات، عوامل سببی و راهبردهای مدیریتی. این روش برای استفاده در پارکهای ملی امریکا تدوین گردیده و پیاده سازی آن مستلزم انجام هشت گام زیر می باشد:

- انجام پیش ارزیابی و مرور داده ها؛
- مرور اهداف مدیریتی؛
- انتخاب شاخص های کلیدی؛
- انتخاب استانداردها برای شاخص های اثرات مهم و کلیدی؛
- مقایسه میان استانداردها و شرایط موجود؛
- شناسایی راهبردهای مدیریتی و
- اجرا (Eagles et al, ۲۰۰۲: ۱۶۸)

۴-۳- تجربه بازدیدکنندگان و حفاظت از منابع^۴ (VERP)

VERP در اوایل دهه ی ۱۹۹۰ در امریکا ایجاد شد و توسعه یافت. این چهارچوب برای اولین بار در سال ۱۹۹۳ توسط خدمات پارک های ملی امریکا در پاسخ به فشار رو به رشد گردشگران و اثرات ناشی از آنها بر پارکهای ملی و همچنین نگرانی های رو به رشد مربوط به ظرفیت های تحمل، مورد استفاده قرار گرفت. VERP از مدل LAC، به شیوه ای اقتباس شده که با عملکردها، کارکردها، ساختارها و

^۳-Visitor Impact Management

^۴-Visitor Experience and Resource Protection

اهداف پارک های ملی هماهنگ باشد؛ این موارد باید هنگام استفاده از این مدل، تحت هر شرایط مدنظر قرار گیرند. چهارچوب تجربه دیدارکنندگان و حفاظت از منابع، به طور همزمان و پیوسته بر مدیریت استفاده ی دیدارکنندگان و منابع تمرکز دارد (پیگرام و جنکینز، ۱۷۲: ۲۰۰۶).

چهارچوب VERP دربردارنده ی مراحل زیر است (پیگرام و جنکینز، ۱۷۳: ۲۰۰۶):

۱. گردآوردن اعضای میان رشته ای تیم پروژه
۲. ایجاد استراتژی مشارکت عمومی
۳. تدوین گزارشات، اهداف، موضوعات و محدودیتها
۴. تحلیل منبع پارک ملی و میزان استفاده ی بازدیدکنندگان
۵. توصیف دامنه ی بالقوه ی تجربیات بازدیدکنندگان و شرایط منابع
۶. تخصیص مناطق بالقوه به مکان های خاص (منطقه بندی)
۷. انتخاب شاخص ها و تعیین استانداردها برای هر منطقه؛ تدوین برنامه ی کنترل
۸. کنترل منابع و شاخص های اجتماعی
۹. انجام اقدامات مدیریتی

بررسی ادبیات مربوط به روش های ارزیابی اثرات دیدارکنندگان، منجر به شناخت پنج عامل شد که اساس و بنیان ماهیت اثرات تفریحی را تشکیل داده و باید به طور همزمان در برنامه های مدیریت اثرات دیدارکنندگان، مورد توجه قرار گیرند. این عوامل عبارتند از (پیگرام و جنکینز، ۱۷۵: ۲۰۰۶):

۱. ارتباط اثرات: شاخص های اثرات باهم در ارتباط هستند به طوری که هیچ پاسخ قابل پیش بینی و جداگانه ای از محیط های طبیعی و رفتار فردی به کاربری های تفریحی داده نمی شود.
۲. رابطه ی کاربری- اثرات: این رابطه برای درجات مختلف از کاربری دیدارکنندگان متفاوت خواهد بود و تحت تاثیر انواع عوامل موقعیتی قرار دارد. رابطه ی کاربری- اثرات، رابطه ای غیرخطی است (رابطه ی ساده ای نیست).
۳. تحمل متفاوت اثرات: مناطق در مواجهه با دیدارکنندگان، تحمل متفاوتی خواهند داشت.
۴. تاثیرات خاص فعالیتها: گستره و ماهیت اثرات در فعالیت های تفریحی با یکدیگر متفاوت است.
۵. تاثیرات خاص مناطق: فصلی بودن و متغیرهای خاص مناطق بر اثرات تفریحی، تاثیرگذارند.

۴-۴- فرایند مدیریت فعالیت بازدیدکنندگان ° (VAMP)

تنش های موجود میان منابع و دیدارکنندگان در دهه ی ۱۹۸۰، منجر به ایجاد و توسعه ی فرایند مدیریت فعالیت دیدارکنندگان (VAMP) توسط خدمات پارکهای کانادا (که در حال حاضر کانادا محیط نام دارد) شد. VAMP سعی در ایجاد تغییرات بنیادی در درک وضعیت (تشخیص موقعیت) مدیریت پارکهای ملی دارد، از پایه و اساس یک محصول یا عرضه گرفته تا رویکردی دقیق و گسترده به بازارها (گراهام و دیگران، ۴۷: ۱۹۹۸). VAMP چهارچوبی پیشگیرانه، انعطاف پذیر و مفهومی است که به تصمیم سازی در رابطه با برنامه ریزی، توسعه و عملکرد خدمات و تسهیلات مربوط به پارکهای ملی کمک می کند. این تکنیک، شامل این موارد است: ارزیابی انسجام منطقه ای یک پارک ملی، شناخت نظام مند دیدارکنندگان، ارزیابی پتانسیل بازار دیدارکنندگان، شناسایی فرصتهای آموزشی که می

تواند در درک، استفاده ی پایدار و پی بردن به ارزش میراثها به عموم یاری برساند. این چهارچوب در تمام این پنج موقعیت مدیریت پارکهای ملی لحاظ می شود (گراهام و لارنس، ۴: ۱۹۹۰):

۱. ایجاد پارک ملی
۲. برنامه ریزی برای مدیریت پارک ملی جدید
۳. اجرای برنامه ی مدیریت پارک ملی
۴. بازبینی برنامه
۵. توسعه ی تسهیلات و عملکرد

فرایند مدیریت فعالیت دیدارکنندگان نیز همانند ظرفیت تحمل، VIM، LAC، ROS، هم از اطلاعات اجتماعی و هم از اطلاعات طبیعی جهت تسهیل تصمیم گیری در رابطه با دسترسی و استفاده از مناطق حفاظت شده، استفاده می کند (با این وجود این قابلیت را داراست که در محیط های وسیع تر نیز مورد استفاده قرار گیرد). این فرایند همچنین شامل بازاریابی موقعیت به منظور هماهنگ نمودن تقاضای فعالیتهای گردشگری با فرصتهای منابع به منظور ایجاد فرصتهای خاص تفریحی است (لیپسکام، ۱۹۹۳).

فرایند مدیریت فعالیت دیدارکنندگان دربر دارنده ی موارد زیر است (گراهام و دیگران، ۱۹۸۸):

۱. تعیین اهداف فعالیتهای دیدارکنندگان
۲. تعیین حیطه ی اختیارات
۳. شناسایی موضوعات مربوط به مدیریت دیدارکنندگان
۴. تحلیل موضوعات مربوط به مدیریت دیدارکنندگان
۵. توسعه ی گزینه های مربوط به خدمات و فعالیتهای دیدارکنندگان
۶. ارائه ی پیشنهادات و تلاش در جهت مورد پذیرش قرار گرفتن برنامه های مربوط به فعالیتهای خدمات و تسهیلات
۷. اجرای گزینه های پیشنهادی

رویکرد فرایند مدیریت فعالیت دیدارکنندگان در کشورهایی مانند استرالیا مورد استفاده ی چندانی واقع نمی شود چراکه به دلیل اینکه بیشتر مطالعات مدیریت دیدارکنندگان به صورت انفرادی انجام شده و یافته های آنها به ندرت به صورت عمومی منتشر می شود؛ این امر منجر به عدم وجود انسجام در این مطالعات و همچنین کمبود داده های مربوط به دیدارکنندگان خواهد شد (لیپسکام، ۱۱: ۱۹۹۳).

همپوشانی قابل توجهی میان VAMP و دیگر تکنیک ها، چهارچوب ها و مدل های برنامه ریزی وجود دارد. این همپوشانی، تصادفی نبوده و از ارزیابی آنها در ساختارهای خاص نشأت می گیرد. نکته ی قابل توجه در این رابطه آن است که مدیران و محققان باید این توانایی را دارا باشند که بتوانند از آنچه پیشتر فراگرفته بودند، در شرایط خاصی که مشغول به کارند، استفاده کنند (پیگرام و جنکینز، ۱۶۸: ۲۰۰۶).

۴-۵- طیف فرصتهای تفرجی^۶ (ROS)

طیف فرصتهای تفرجی، مفهومی است که در مدیریت منابع اهمیت قابل توجهی یافته است. این چهارچوب دربردارنده ی انواع مختلفی از توسعه ی تفریحی (از ابتدایی تا مدرن) بود و آن دسته از ویژگیهای منطقه را که بر فرصتهای تفریحی اثرگذار بودند مورد شناسایی قرار داده بود. در رابطه با فرصتها، افراد با حق انتخاب ها، ساختارها و تجربیات روبرو بودند. چهارچوب ROS پیشنهاد داد که این فرصتها در

^۶-Recreation Opportunity Spectrum

بر گیرنده ی محیط طبیعی، ویژگیهای کاربری تفریحی مانند سطوح و انواع کاربری و شرایط ایجاد شده توسط مدیریت منطقه نیز باشد. به منظور تعریف عوامل مهم در ارزیابی فرصتهای تفریحی، چهار معیار مدنظر قرار گرفت که عبارتند از (کلارک و استنکی، ۵: ۱۹۷۹):

۱. عوامل باید قابل مشاهده و قابل اندازه گیری باشند.
۲. عوامل باید به طور مستقیم تحت کنترل مدیریت باشند.
۳. عوامل باید به ترجیحات افراد مربوط باشند و تصمیمات آنها را در رابطه با استفاده از منطقه تحت تاثیر قرار دهند.
۴. ویژگیهای عوامل باید به واسطه ی دامنه ای از شرایط طبقه بندی شود.

از ارزیابی ترجیحات دیدارکنندگان و تجربه ی مدیریت با توجه به چهارمورد ذکرشده، شش عامل ناشی شد که عبارتند از:

۱. دسترسی
۲. میزان استفاده از منابع غیرتفریحی
۳. مدیریت منطقه
۴. تعامل اجتماعی
۵. قابل قبول بودن اثرات بازدیدکنندگان
۶. سطح قابل قبول سخت گیری

ROS فراهم آورنده ی طیفی از شرایط از طبیعی و بکر تا کنترل شده و شهری است. این روش به منظور یاری رساندن به مدیرانی که مسئولیت مدیریت مناطق بکر یا دور افتاده ای را به عهده داشتند توسعه پیدا کرد، این مناطق ساکنان دائم نداشتند و یا تعداد آنها بسیار کم بود و عموماً تاکید تنها بر حفظ محیط طبیعی بود و ادراک دیدارکنندگان از کیفیت محیط طبیعی در درجه اول اهمیت قرار داشت. ROS این امکان را فراهم نمود که کاربری های تفریحی نیز به این مناطق داده شود. شباهت های بسیاری بین ارزیابی دیدارکنندگان از یک ساختار و میل آنها به سفر و انجام فعالیتهای تفریحی بخصوص در فضای باز، وجود دارد. تصمیمات باید به گونه ای گرفته شوند که توسعه، نشان دهنده ی تعهد منطقه به بازارهای مشخص گردشگری، سطح توسعه و درجه ماجراجویی باشد (باتلر و والدبرگ، ۲۷: ۲۰۰۳).

۴-۶- ظرفیت تحمل^۷

تا اوایل دهه ی ۱۹۷۰، بحث ظرفیت تحمل عمدتاً در ارتباط با مدیریت مراتع، چراگاهها و همچنین جنگل داری مطرح بود. با ظهور مفهوم توسعه ی پایدار انسانی در اوایل دهه ی ۱۹۷۰ و مفهوم توسعه ی پایدار اقتصادی و زیست محیطی در دهه ی ۱۹۹۰ که سه شاخص رفاه، بازده اقتصادی و محیط زیست سالم به عنوان ارکان اساسی توسعه ی پایدار مطرح شدند، ظرفیت تحمل نیز ایزاری مناسب جهت برآورد هریک از این شاخص ها درنظر گرفته شد. در همین زمان، روند رو به رشد بهره برداری بی رویه و خارج از توان محیط طبیعی، تشدید آلودگی ها، تخریب محیط زیست و بروز بحران های زیست محیطی، ضرورت به کارگیری روش هایی را برای تبدیل اکوسیستم های پس رفته به اکوسیستم های سازش یافته، برمی تابید. در چنین شرایطی، برآورد ظرفیت تحمل و بهینه سازی یا تعدیل آستانه ی تغییرات به عنوان یکی از روش های کنترل و پایش تغییرات به کار گرفته شد (طیبیان و دیگران، ۲: ۱۳۸۶).

براساس تعریف WTO (۱۹۹۲)، ظرفیت تحمل عبارت است از: "حداکثر تعداد جمعیت دیدارکننده از یک منطقه ی گردشگری در یک زمان معین، بدون ایجاد تغییر و آشتگی در کیفیت رضایتمندی دیدارکنندگان". از دیدگاه اکوسیستمی مفهوم ظرفیت تحمل به این صورت

^۷ - Carrying Capacity

تعریف می شود: "حداکثر جمعیت یک گونه ی معین که مساحت مشخصی از سرزمین (یا زیستگاه) توان حمایت از آنها را در زمان حال بدون کاهش یا تهدید توان نسل آتی آن گونه برای بقاء جمعیت دارا باشد". به طور کلی انواع ظرفیت تحمل که در تقسیم بندی هانتر ارائه شده اند، عبارت است از (طیبیان و دیگران، ۴: ۱۳۸۶):

• ظرفیت تحمل فیزیکی

تعداد، ظرفیت و احجام واقعی و فیزیکی را بدون در نظر گرفتن عملکرد اکوسیستم بیان کرده و حدی از یک ناحیه یا منطقه را شامل می شود که فراتر از آن، تغییرات، آشفتگی ها و یا مسائل زیست محیطی بروز می کند.

• ظرفیت تحمل روانی یا ادراکی

کمترین درجه ی مطلوبیتی است که کاربران جدید یک منطقه ی توسعه یافته، پیش از آغاز جستجو برای یافتن گزینه مکانی دیگری برای همان کاربری، آماده ی پذیرش آن باشند.

• ظرفیت تحمل اجتماعی

سطح تحمل جامعه ی میزبان در یک منطقه ی در حال توسعه برای پذیرش حضور و رفتار کاربران جدید و یا درجه ی آمادگی پذیرش تراکم و شلوغی توسط کاربران جدید است.

• ظرفیت تحمل اقتصادی

توانایی جذب و پذیرش فعالیت های جدید در راستای توسعه، بدون جابجایی و یا ایجاد مزاحمت در کاربری ها و فعالیت های مطلوب محلی، است.

علاوه بر موارد ذکر شده، دو نوع دیگر از ظرفیت تحمل که در تقسیم بندی هانتر ارائه نشده اما در برخی تحلیل ها و ارزیابی ها به کار گرفته می شود عبارت است از:

• ظرفیت تحمل اکولوژیکی

• ظرفیت تحمل زیست محیطی

انواع ظرفیت تحمل گردشگری (TCC) عبارت است از (کوکوسیس و مکسابه نقل از فرهودی و شورچه، ۳۰: ۱۳۸۳):

۱. ظرفیت تحمل فیزیکی ^۸ (PCC)

۲. ظرفیت تحمل واقعی ^۹ (RCC)

۳. ظرفیت تحمل موثر ^{۱۰} (ECC)

لایم و مک کول (۲۰۰۱: ۲) نگاهی انتقادی به مفهوم ظرفیت تحمل دارند و معتقدند توجه بیش از حد این مفهوم به اعداد و ارقام از نقاط ضعف آن به شمار می رود. آنها معتقدند این مفهوم حمل بر تعدادی از فرضیات است که در دنیای واقعی قابل تحقق نیست و سوالات در خصوص اهداف گردشگری و اعمال مدیریتی مناطق حفاظت شده را افزایش می دهد و شرایط برای محقق شدن مفهوم ظرفیت تحمل به

^۸ - Physical Carrying Capacity

^۹ - Real Carrying Capacity

^{۱۰} - Effective Carrying Capacity

ندرت در دنیای واقعی به وقوع می پیوندد. آنها معتقدند برای برنامه ریزی مدیریت اثرات دیدارکنندگان، باید از گستره ای از چارچوب های برنامه ریزی جهت حفاظت از منابع و همچنین مسائل دیگر استفاده نمود. آنها معتقدند به منظور پرداختن به موضوع اثرات دیدارکنندگان بهتر است از تکنیک LAC یا VERP استفاده شود.

به طور کلی بعضی از مشکلات عمده در سنجش ظرفیت عبارت است از:

- ظرفیت تحمل برای افراد مختلف، معانی گوناگونی دارد و تعریفی جهانی از آن وجود ندارد (کوپر و دیگران، ۱۸۷: ۱۹۹۸).
- طیف گسترده ای از استانداردها باید مورد سنجش قرار گیرند. برای مثال، در گردشگری ظرفیت های مختلف مانند ظرفیت تحمل زیست محیطی، ظرفیت تحمل گردشگری و غیره باید مورد سنجش واقع شوند (میلر، ۳۵۶: ۲۰۰۱).
- ظرفیت تحمل، مفهومی پویا و تغییرپذیر است. این مفهوم، ایستا و ثابت نبوده و پویایی آن بستگی به سرعت تغییرات دارد (سیمون و دیگران، ۲۷۹: ۲۰۰۴).
- ظرفیت تحمل از نظر کمی قابل اندازه گیری است و مشکلاتی پیش روی سنجش کیفی آن وجود دارد (میلر، ۳۵۶: ۲۰۰۱).
- مشکلاتی در زمینه ی پیش بینی اثرات وجود دارد. علاوه بر این، یک اثر تنها هنگامی شناخته می شود که قابل بررسی باشد اما آستانه های شناسایی بسیار متغیر هستند (باکلی، ۷۰۶: ۱۹۹۹).

۵- اثرات بازدیدکنندگان و مدیریت مناطق حفاظت شده

طبق اتحادیه جهانی حفاظت، مناطق حفاظت شده برای حفاظت و ارتقای کسب لذت از میراث طبیعی یا فرهنگی ما و برای حفظ تنوع زیستی و یا سیستمهای پشتیبانی حیات اکولوژیکی ایجاد شده اند (IUCN، ۱۹۹۱). بسیاری کشورها از فواید دسترسی بازدیدکنندگان به این مناطق آگاه اند و آن را تشویق می کنند و بنابراین، با مساله تعادل بین اهداف استفاده بازدیدکنندگان و حفاظت منابع مواجه اند. پرداختن به این موضوعات، بدون وجود چارچوبی برای ساختار و هدایت تصمیم گیری مشکل خواهد بود (مک کول، ۱۹۹۴؛ مک کول و استنکی، ۱۹۹۲).

بعلاوه، چارچوبهای تصمیم گیری می توانند به یکپارچگی بهتر نیازهای مردم محلی به منابع و سیستمهای مدیریت منابع با مدیریت مناطق حفاظت شده منجر شوند. کنترل های ملی یا ایالتی منابع معمولاً به محروم کردن مردم محلی از منابع، با دسترسی نداشتن آنها به منابع منجر می شود که مردم محلی، همیشه از این مساله گله مند هستند (گومز پومپا و کاوز، ۱۹۹۲؛ پلوسو، ۱۹۹۳؛ پیمبرت و پرتی، ۱۹۹۵). این موضوعات بخصوص به امریکای جنوبی که جمعیت بومی در اکثریت مناطق حفاظت شده سکونت دارند مرتبط است (امند وامند، ۱۹۹۲).

۶- چارچوبهای تصمیم گیری

چارچوبهای تصمیم گیری، شامل ظرفیت تحمل و چارچوبهای جایگزین مثل محدوده تغییرات قابل قبول (LAC) (استنکی و همکاران، ۱۹۸۵؛ واگار، ۱۹۶۴) و حفاظت از منابع و تجارب بازدیدکننده (VERP) (خدمات پارکهای ملی، ۱۹۹۷) است. اجرای چارچوبهای ظرفیت تحمل، ساده و ارزان است و به طور گسترده ای توسط مناطق حفاظت شده ی امریکای جنوبی و مرکزی اتخاذ شده اند، البته هنوز درعمل به درستی به کار گرفته نشده است و اغلب، در حداقل کردن اثرات بازدیدکنندگان شکست خورده است (لیندبرگ و مک کول، ۱۹۹۸؛ نوریس، ۱۹۹۴؛ والاس، ۱۹۹۴). برعکس، چارچوبهای جایگزین، به کمبودهای ظرفیت تحمل می پردازند ولی اجرای آنها به کارکنان بسیار،

زمان و بودجه نیاز دارد و بنابراین، ممکن است برای کشورهای درحال توسعه کمتر عملی باشد (کبالس-لسکرین، ۱۹۹۶؛ هورن و بو، ۱۹۹۵؛ مک کول و کول، ۱۹۹۷).

در این مقاله چارچوبهای موجود را با توجه به مطلوبیت و عملی بودنشان برای مناطق حفاظت شده ی امریکای مرکزی و جنوبی نقد و بررسی کرده، یک چارچوب جدید ساده تصمیم گیری پیشنهاد داده و وجوه مثبت و منفی آن را ارزیابی می کنیم.

۷- روش ها

ما مرور ادبیات را با اطلاعات نه مصاحبه هم ساختار که توسط مدیران مناطق حفاظت شده هدایت می شد و نمایندگان آژانس های مدیریت در کاستاریکا، بلیز و چیل ترکیب کردیم. ما همچنین اطلاعات یک کارگاه که توسط مدیران و کارکنان سه منطقه حفاظت شده در مکزیک هدایت می شد را ارائه کردیم. مصاحبه ها و شرکت کنندگان در کارگاهها چارچوبهای موجود تصمیم گیری را توضیح دادند، دلایل ارجحیت برخی از چارچوبها نسبت به بقیه را بیان کردند و ادراکات مدیران از اثربخشی، مطلوبیت و عملی بودن چارچوبها را مقایسه می کنند. کارگاه در پاسخ به درخواست یک آژانس مدیریتی مکزیک (PROFAUNA) برای اطلاع دادن درباره ی اثرات بازدیدکننده و انتخاب استراتژی مدیریتی ایجاد شد.

سایتهای تحقیق شامل Volcan Poas National Park, Monteverde Cloud Forest Reserve, Braulio Carrillo National Park و Manual Antonio National Park در کاستاریکا، Hol Chan, Altun Ha Mayan ruin Marine Reserve و Community Baboon Sanctuary در بلیز، Torres del Paine National Park در چیل و Zapaliname, Cuatro Cienegas و Maderas del Carmen در مکزیک است. بلیز و کاستاریکا به این دلیل انتخاب شدند که در هر دو کشور بازدیدهای زیادی از مناطق حفاظت شده به عمل می آید، مناطق اکوتوریستی مشهوری هستند و به این دلیل که در هر دو کشور تحقیقات با استفاده از ظرفیت تحمل انجام شده اند. مناطق حفاظت شده ی این کشورها به عمد انتخاب شده اند تا سطوح مختلف بازدید، دسترسی، انواع فعالیت بازدیدکنندگان، جدیت مدیریت و نوع آژانس مدیریتی را نشان دهد. Torres del Paine به دلیل علاقه مدیریت به استفاده از LAC انتخاب شد. سه منطقه مکزیک توسط PROFAUNA انتخاب شدند تا مشکلات عمده اثرات بازدیدکننده را منعکس کنند.

۸- توضیح و نقد چارچوبهای تصمیم گیری

۸-۱- توضیح چارچوبهای تصمیم گیری

چارچوبهای تصمیم گیری، ساختاری را برای سازماندهی اطلاعات و ایده ها تنظیم می کنند و بنابراین مدیران مناطق حفاظت شده را کمک می کنند تا موازنه ای منطقی و قابل دفاع بین حفاظت منابع و دسترسی بازدیدکننده به این منابع ایجاد کنند. چارچوبها ابزاری برای ارزیابی اثرات بازدیدکننده و تعیین اقدامات مدیریتی و استراتژیها برای کاهش یا توقف اثرات نامطلوب بازدیدکننده به دست می دهند.

۸-۲- ظرفیت تحمل

مفهوم ظرفیت تحمل از مدیریت زیستگاه^{۱۱} (range management) اتخاذ شد و در اوایل دهه ۱۹۶۰ برای مدیریت تفریح به کار برده شد (واگار، ۱۹۶۴). در این مقاله اینطور تعریف می شود: میزان استفاده های مرتبط با بازدید که یک منطقه در حین ارائه کیفیتی پایدار از تفریح برپایه جنبه ها و موقعیتهای اکولوژیکی، اجتماعی، فیزیکی و مدیریتی پشتیبانی می کند (استنکی و مک کول، ۱۹۹۰). تمرکز آن بر تعیین سطح استفاده ای است که بیش از آن، آثار از سطح قابل قبول استانداردهای ارزیابی فراتر می روند (شلی و هبرلین، ۱۹۸۶). بعدها ظرفیت تحمل گسترش یافت و موضوعات توسعه و اثرات اقتصادی و اجتماعی فرهنگی بر فرهنگ میزبان را شامل شد (اینسکیپ، ۱۹۸۸؛ ولترز، ۱۹۹۱).

رویکرد قدیمی ظرفیت تحمل بر تنظیم تعداد بازدیدکنندگان براساس روابط ریاضی متغیرهای موردنظر، تاکید دارد (شلی و هبرلین، ۱۹۸۶). بنابراین، ظرفیت تحمل هم شامل عناصر توصیفی است (یعنی پارامترهای مدیریت مثل نوع و حدود اثرات مربوط به استفاده) و هم شامل عناصر ارزیابی (یعنی قضاوتهای ارزشی درباره قابل قبول بودن سطوح مختلف اثرات) (شلی و هبرلین، ۱۹۸۴). اغلب به اهمیت عنصر ارزیابی، درجه پایین تری داده شده است و یا اصلا ظاهر نشده است که شخصی بودن را که جزء ذاتی ظرفیت تحمل است را مخفی می کند. متخصصان می توانند شاخصهای اثرات اجتماعی و اکولوژیکی را برپایه تجارب قبلی و سایر مطالعات، انتخاب و ارزیابی کنند. برای مثال، میزان بارندگی هر فصل و فضای ساحلی به ازای هرنفر در سطح گسترده برای ارزیابی ظرفیت تحمل در سراسر کاستاریکا به کار برده شده است (سبالس-لسکرین، ۱۹۹۶).

۸-۳- چارچوبهای تصمیم گیری جایگزین

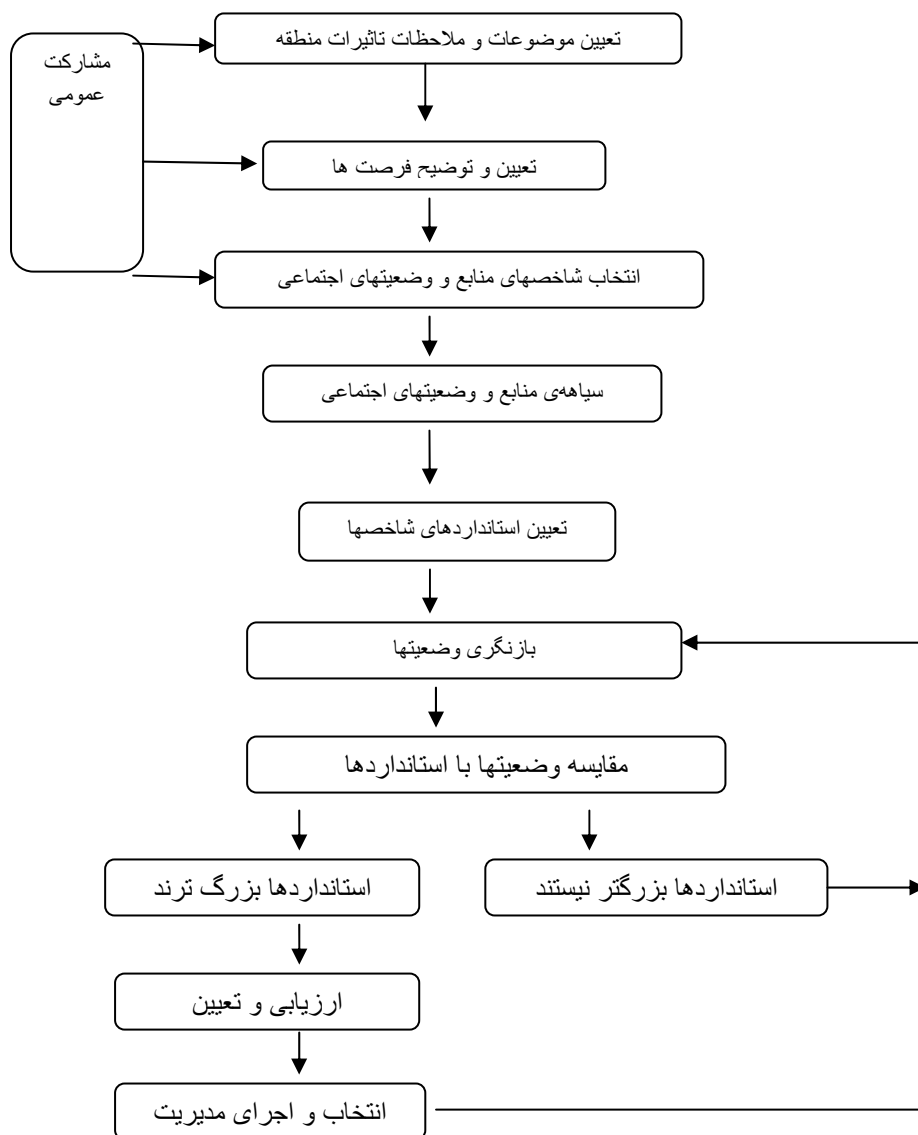
در طی زمان، مفهوم اصلی ظرفیت تحمل به تعدادی از چارچوبهای تصمیم گیری جایگزین توسعه یافت. چارچوب محدوده تغییرات قابل قبول (LAC) توسط سازمان جنگلهای امریکا (US Forest Service) ایجاد شد و شامل برنامه ریزی تعاملی (براساس یادگیری مشترک و گفتگوی آزاد بین ذینفعان) است (گراف و همکاران، ۱۹۹۰؛ استنکی و همکاران، ۱۹۸۵). سایر چارچوبها شامل مدیریت اثرات

۱۱- مدیریت زیستگاه، هنر و علم تولید پایدار حیوانات در زیستگاه بومی در عین نگهداری منابع طبیعی است.^{۱۱} مدیریت زیستگاه چهار اصل اساسی دارد:

- ایجاد توازن بین تعداد حیوانات با میزان عرضه ی علوفه
- رسیدن به یک توزیع هماهنگ حیوانات در سراسر زیستگاه
- دوره های جایگزین چرا و استراحت برای مدیریت و نگهداری پوشش گیاهی
- استفاده از مناسب ترین انواع چهارپایان برای عرضه ی علوفه و اهداف مدیریت
- اصول مدیریت زیستگاه براساس دو اصل زیربنایی اکولوژیکی هستند:
- عوامل فیزیکی، گیاهان و حیوانات، مثل یک واحد عمل می کنند و هر تغییری در یک عامل مثل عواملی که در اثر آتش یا چرا به وجود می آیند، تمام سیستم را تغییر می دهند.
- تغییرات پوشش گیاهی، پدیده های طبیعی هستند که از الگوهای خاصی تبعیت می کنند.
- خاک و پوشش گیاهی در زیستگاههای بومی، در طول زمان تحت آب و هوای غالب، باهمدیگر توسعه یافته اند. جامعه ی گیاهی که در خاک و (stable) نامیده می شود. این جامعه گیاهی، نسبتا پایدار climax community بخصوصی تحت آب و هوای بخصوص توسعه می یابد، قادر به زنده نگه داشتن خود است و از رطوبت، مواد غذایی و انرژی خورشیدی به طور کامل استفاده می کند.
- چهار قانون طبیعی به توضیح اکولوژی زیستگاه کمک می کنند:
- اگر جوانه را از بین ببریم، ریشه را از بین می بریم. برگهای سبز، غذایی را که ریشه گیاه را پایدار می کند، می سازند. اگر برگهای زیادی متلاوبا چیده شوند، ریشه گرسنه می ماند و کوچک می شود، و توانایی گیاه را برای دریافت رطوبت و مواد غذایی خاک از بین می برد. و درنهایت، گیاه می میرد.
- Standهای بومی از جای خالی بیزارند و سعی می کنند خاک را با گیاه بپوشانند. اگر چرا، علفهای بلندتر و مفیدتر را از بین ببرد، درختچه ها و گیاهان ناخوشایند و علفهای با رشد کم، فضاهای خالی را پر می کنند.
- تغییر در پوشش گیاهی، تا زمانی ادامه می یابد که ترکیبی از گیاهان که مناسب خاک و آب و هوا است به طور کامل به وجود آید به طوریکه هیچ گیاه دیگری نتواند در آن حرکت کند. این climax community است.
- عامل اساسی محدودکننده رشد در آب و هوای علفزار، عرضه ی آب است. در خاک پوشیده با گیاهان با برگهای کهنه، آب بیشتری به نسبت خاک لخت، ذخیره می شود. در خاک لخت، ازدست دادن رطوبت به دلیل تبخیر یا شستشو بیشتر است. حفاظت از رطوبت در علفزارها، حیاتی است.

بازدیدکنندگان (VIM) توسط پارکهای ملی آمریکا (US National Parks) و انجمن حفاظت (Conservation Association) (گراف و همکاران، ۱۹۹۰)، حفاظت از منابع و تجارب بازدیدکننده (VERP) توسط خدمات پارکهای ملی آمریکا (US National Park Service) (۱۹۹۷، USDI) و فرایند مدیریت فعالیتهای بازدیدکننده (VAMP) مدل مفهومی برنامه ریزی که توسط پارکهای کانادا (Parks Canada) برای پرداختن به بازارهای هدف، فعالیتهای تفریحی مناسب و تسهیلات پارک (گراهام و همکاران، ۱۹۸۸) ایجاد شد. این چارچوبها برای تعیین فرصتهای جهانگردی و تفریح، ارزیابی رابطه استفاده-تأثیر انسانی، تدارک مراحل مشخص برای مدیران جهت تعیین موقعیتهای قابل قبول و تعیین استراتژیهای مدیریت برای رسیدن به شرایط مطلوب اجتماعی و منابع ایجاد شدند. چنین منابعی از مفهوم ظرفیت تحمل چشم پوشی نکردند ولی به جای قابلیتهای ثابت منابع و میزان استفاده بر دستیابی به موقعیتهای مطلوب تاکید کردند (استنکی و همکاران، ۱۹۸۵). این چارچوبها فرایند واضح تری را برای انجام این وظیفه تدارک دیدند.

چارچوبهای تصمیم گیری جایگزین از رویکرد مدیریت هدف استفاده می کنند و فرایندهای تکراری و مستمری هستند که همچنین می توانند شامل حضور فعال عموم و سایر ذینفعان باشند. چارچوبها یک فرایند رسمی را برای تعیین اهداف پیشنهادی مدیریت ارائه می دهند که شرایط و وضعیتهای مطلوب اجتماعی را تعیین می کند و شاخصهای مناسب و استانداردهایی که نشان دهنده ی آن اهداف هستند را مشخص می کنند (شکل ۲). اهداف و استانداردها اغلب بسته به منطقه بندی مدیریت تغییر می کنند و با شرایط موجود، ارزیابی حساسیت منابع و ارزیابی فرصتهای تفریحی تعیین می شوند (بوید و باتلر، ۱۹۹۶؛ باتلر و والدبروک، ۱۹۹۱؛ کلارک و استنکی، ۱۹۷۹). بازنگری برنامه ها، مقایسه های دوره ای بین منابع واقعی و شرایط اجتماعی را با استانداردهای شاخصهای عددی ممکن می سازند. اگر استانداردها نادیده گرفته شوند، یک ارزیابی علل و عوامل موثر انجام می گیرد تا به تعیین و انتخاب پاسخهای مدیریت کمک کند. بازنگری برای ارزیابی موفقیت فعالیتهای انجام شده، تهیه داده های هدف که به کارگیری فعالیتهای محدودتر را تنظیم می کنند به کار می رود. چارچوبهای جایگزین، در پاسخ به سطوح غیرقابل قبول اثرات بازدیدکننده، بر آستانه ها یا محدودیتهای تاکید نمی کنند و به جای آن، این فعالیتهای را به عنوان یکی از پاسخهای فراوان بالقوه می بینند.



شکل ۲. نمودار چارچوبهای مدیریت و برنامه ریزی LAC, VIM و VERP (برگرفته از ماریون، ۱۹۹۱)

۸-۳-۱- استفاده از چارچوبهای تصمیم گیری جایگزین در امریکای مرکزی و جنوبی

ظرفیت تحمل، رایج ترین چارچوب تصمیم گیری در امریکای مرکزی و جنوبی است. حدس می زنیم که محبوبیت آن احتمالاً به دلیل ذکر کردن آن به طور متناوب در ادبیات جهانگردی و ادبیات اوقات فراغت، جذابیت آن برای مدیران مناطق حفاظت شده به عنوان یک ابزار راحت برای مدیریت یا کاربرد آن در کاستاریکا یا سایر مقاصد بین المللی اکوتوریسم باشد. ظرفیتهای برای Volcan، Monteverde، Poas و Manuel Antonio در کاستاریکا تنظیم شده اند. مدل ظرفیت تحمل جهانگردی در مناطق حفاظت شده (PATCC) در جزایر Galapagos و پارکهای کاستاریکا استفاده شده تا تسهیلات و ظرفیت اجتماعی و بیولوژیکی را با محدودیتهای مدیریتی تعدیل کند (سیفونت، ۱۹۹۲؛ هارون و بو، ۱۹۹۵). اطلاعات مصاحبه ها مشخص می کند که جامعه ادوبان بلیز (BAS) به زودی به تعیین ظرفیت تحمل بازدیدکنندگان برای مناطق حفاظت شده نیاز خواهد داشت. BAS یک یک سازمان غیردولتی بی نظیر است که مسئولیتش مدیریت پارکهای ملی بلیز زیر نظر وزارت جهانگردی و محیط زیست است. از طرفی چارچوبهای تصمیم گیری جایگزین در امریکای مرکزی و جنوبی بسیار کم استفاده شده است. در یک تحقیق بین المللی در سال ۱۹۹۴، در مناطق حفاظت شده ی ۲۱۵ کشور درحال توسعه، کمتر از ۱۰٪ از LAC استفاده کردند و کمتر از ۲۰٪ از VAMP، VIM یا ROS (طیف فرصتهای تفرجی) استفاده کرده اند (جیونگو و همکاران، ۱۹۹۴). در مناطق مورد تحقیق ما، Torres del Paine تنها منطقه حفاظت شده ای بود که از چارچوب جایگزین استفاده کرد. والاس و موضوعات مصاحبه، بیان می کنند که چارچوبهای جایگزین عموماً در کشورهای درحال توسعه استفاده نمی شوند زیرا مدیران مناطق حفاظت شده منابع مالی کمتری در اختیار دارند و آگاهی شان درمورد چارچوبهای تصمیم گیری جدید نسبتاً کم است.

۸-۳-۲- نقد چارچوبهای تصمیم گیری موجود

براساس جنبه های شناخته شده با توجه به موضوعات مصاحبه، شرکت کنندگان در کارگاهها و ادبیات موضوعی (اندرسون و همکاران، ۱۹۹۸؛ فورز و همکاران، ۱۹۹۶؛ گراف و همکاران، ۱۹۹۰؛ هارون و بو، ۱۹۹۵؛ شلیو هبرلین، ۱۹۸۶؛ لیندبرگ و همکاران، ۱۹۹۷؛ لیندبرگ و مک کول، ۱۹۹۸؛ مک کول و کول، ۱۹۹۷؛ مک کوی و همکاران، ۱۹۹۵؛ استنکی و همکاران، ۱۹۸۵؛ USDI، ۱۹۹۷) ملاکهایی برای ارزیابی چارچوبهای مختلف توسعه داده شدند.

این مطالعه موردی بیان می کند که یک چارچوب ایده آل باید:

- ۱- آسان، سریع، ارزان و اجرای آن مقرون به صرفه باشد؛
- ۲- قادر به ارزیابی موفق و یا کاهش اثرات منفی باشد؛
- ۳- دلایل اصلی چندگانه ی اثرات را در نظر بگیرد؛
- ۴- انتخاب فعالیتهای مختلف مدیریتی را تسهیل کند؛
- ۵- تصمیمات قابل دفاع ایجاد کند؛
- ۶- اطلاعات فنی را از قضاوتهای ارزشی جدا کند؛
- ۷- مشارکت عمومی، یادگیری مشارکتی و اتفاق نظر را تشویق کند؛
- ۸- استفاده مردم محلی از منابع و موضوعات مدیریت منابع را دربرداشته باشد.

ارزشیابی چارچوبهای ظرفیت تحمل و جایگزین و چارچوب پیشنهادی در جدول ۴ آمده است.

معیار ارزیابی	وجوه مثبت (+) و منفی (-)		
	ظرفیت تحمل	چارچوبهای جایگزین	چارچوب پیشنهادی
۱. آسان، سریع، ارزان و اجرای مقرون به صرفه.	+	-	+
۲. قادر به ارزیابی موفق و/یا حداقل کردن اثرات بازدیدکننده.	-	+	+/-
۳. دلایل چندگانه اثرات را در نظر می گیرد.	-	+	+/-
۴. انتخاب گستره ای از اقدامات مدیریتی را تسهیل می کند.	-	+	+
۵. تصمیمات قابل دفاع ایجاد می کند.	-	+	+
۶. اطلاعات فنی را از قضاوتهای ارزشی جدا می کند.	-	+	+
۷. مشارکت عمومی و یادگیری مشارکتی را تشویق می کند.	-	+	+
۸. مردم محلی را در استفاده از منابع و مدیریت این منابع دخیل می کند.	-	+	+

جدول ۴. ارزشیابی ظرفیت تحمل، چارچوبهای تصمیم گیری جایگزین و چارچوب پیشنهادی با استفاده از معیارهای به دست آمده از اطلاعات مصاحبه ها و ادبیات موضوعی

۸-۳-۲-۱- وجوه مثبت و منفی ظرفیت تحمل

بسته به چگونگی توضیح و تفسیر، ظرفیت تحمل می تواند ساده تر، ارزان تر و عملی تر از چارچوبهای تصمیم گیری جایگزین باشد (هارون و بو، ۱۹۹۵؛ لیندبرگ و مک کول؛ ۱۹۹۸) (معیار ۱). یک موضوع مصاحبه، ظرفیت تحمل را با ویژگی سریع و منعطف بودن، براساس نظرتخصصی و سازگار با قوانین جاری مناطق حفاظت شده می شناسد. هرچند، ظرفیت تحمل اغلب برای تنظیم تعداد بازدیدکنندگان بدون درنظرگرفتن اهداف مدیریت به صورت اشتباه به کارگرفته شده است و بعضی اوقات در پاسخ به فشارهای سیاسی مثل جزایر گالاپاگس تغییر یافته است و بدون درنظرگرفتن ذینفعان تنظیم شده است (لیندبرگ و مک کول، ۱۹۹۸؛ ویت، ۱۹۹۸) (جدول ۴).

تعداد ظرفیت تحمل اغلب بسیار ساده و براساس قضاوتهای دلخواهانه است و بنابراین بعضی اوقات در کاهش اثرات منفی شکست می خورد (معیار ۲). برای مثال یک موضوع مصاحبه در مونت ورد، حاکی از آن بود که ظرفیت ۲۵ نفر در هر ساعت برای تریل ها، تجمع بازدیدکنندگان و تعارض را به حداقل نرسانده. به طور مشابه، موضوع دیگری در ولکان پوس، حاکی از آن بود که تعداد ظرفیت تحمل در پارک ملی ولکان پوز بدون درنظرگرفتن فاکتورهای اثرات بیوفیزیکی و اجتماعی تنظیم شده است.

تعداد ظرفیت تحمل بر اهمیت میزان استفاده، بیش از حد تاکید می کند و سایر دلایل اساسی و بالقوه ی اثرات را در نظر نمی گیرد (گراف و همکاران، ۱۹۹۰) (معیار ۳). برای اثرات اجتماعی و بیوفیزیکی مختلف، تعداد استفاده تنها یک فاکتور نشان دهنده ی اثرات است؛ نوع استفاده، اندازه گروه، رفتار بازدیدکننده، اقدامات مدیریتی، اقدامات توسعه و ویژگیهای محیطی ممکن است مهم تر باشند (کول، ۱۹۸۷؛

سبالس-لسکرین، ۱۹۹۶). به طور مشابه، تجارب بازدیدکنندگان تنها از میزان استفاده متاثر نمی شود بلکه همچنین از نوع استفاده، رفتار بازدیدکننده، سطح تخصص و انتظارات تاثیر می گیرد (شلی و هبرلین، ۱۹۸۶).

با تمرکز بر میزان استفاده، تعداد ظرفیت تحمل توجه را از دامنه گسترده استراتژیهای مدیریتی در دسترس برای مدیران منابع، دور می کند (معیار ۴). ممکن است مدیران اقدامات مدیریتی مناسب تر، موثرتر یا غیرعادی تری را در نظر بگیرند (استنکی و مک کول، ۱۹۹۰). برای مثال، چندین شرکت کننده در کارگاه دریافتند که تنها راه محافظت منابع، محدود کردن استفاده است و ارزش موثر بودن سایر اقدامات را درک نکردند. محدود کردن بازدید همچنین ممکن است محدودیت غیرضروری برای آزادی بازدیدکننده ایجاد کند و ممکن است اجرای آن مشکل و گران باشد (گان، ۱۹۷۹؛ لیندبرگ و مک کول، ۱۹۹۸). کاهش استفاده و سایر محدودیتهای ناشیانه برای بازدید همچنین یک تهدید بالقوه برای درآمدزایی جهانگردی است که اولویت بالایی برای بسیاری از کشورهای در حال توسعه دارد.

حفظ حدود ظرفیت تحمل مشکل است و معمولاً به دلیل فشار برای منافع اقتصادی بازدید، زیر پا گذاشته می شوند (ویلیامز، ۱۹۹۴) (معیار ۵). مثال برجسته ی آن، جزایر گالاپاگس و چندین پارک کاستاریکا است (نوریس، ۱۹۹۴). به طور مشابه، بعضی مناطق حفاظت شده ممکن است نگران تعصبات سیاسی محدود کردن استفاده بازدیدکننده باشند. برای مثال، شرکت کنندگان در کارگاه بیان داشتند که دولت مکزیک شدیداً استفاده از کوآتروسینه گاس را تشویق می کند.

یک محدودیت عمده این است که "تعداد جادویی" ظرفیت تحمل، شخصی است. هرچند، شخصی بودن تنظیم ظرفیتها معمولاً در جامعه ی "ذهنی بودن علمی" پنهان می شود (استنکی و مک کول، ۱۹۹۰) (معیار ۶).

در نهایت، اطلاعات مصاحبه مشخص ساخت که اجرای ظرفیت تحمل، به طور معمول مشارکت عموم یا استفاده مردم محلی از منابع را دربر نمی گیرد (معیار ۷ و ۸). هارون و بو (۱۹۹۵) بیان کردند که نیاز مردم محلی به منابع در نظر گرفته نشده چون ظرفیت تحمل به طور گسترده ای در مناطق حفاظت شده ای اجرا شده است که در درون محوطه شان ساکنین کمی وجود دارد. با این وجود، بسیاری از مناطق حفاظت شده به طور مستقیم یا غیرمستقیم از جوامع محلی پشتیبانی می کنند.

به طور خلاصه، ظرفیت تحمل در عمل بسیار ساده شده است و تاکید زیادی بر محدود کردن استفاده بازدیدکنندگان دارد و در حالیکه سایر پارامترهای مدیریتی می توانسته به کاربرده شوند در بعضی مواقع ظرفیت تحمل در حداقل کردن اثرات بازدیدکنندگان شکست خورده و مشارکت عمومی و یا نیاز مردم محلی به منابع را به طور موثری شامل نشده است.

۸-۳-۲- وجوه مثبت و منفی چارچوبهای تصمیم گیری جایگزین

چارچوبهای تصمیم گیری جایگزین، مشکلات ناشی از اثرات بازدیدکننده را ارزیابی می کنند، دلایل اصلی چندگانه اثرات را می بینند و تفسیر می کنند، از تصمیمات حاوی اطلاعات و قابل دفاع حمایت می کنند و تلاشهای برنامه ریزی، تحقیق و کنترل را هماهنگ می کنند (مک کول و کول، ۱۹۹۷). برخلاف ظرفیت تحمل، این چارچوبها ماهیت پیچیده ی اثرات بازدیدکننده را بدون ساده سازی بیش از حد آنها شناسایی می کنند و فرایندهای منعطف، مستمر و تکراری هستند که موضوعات برجسته و اصلی برای تعیین اینکه چه اثراتی قابل قبول اند را شناسایی می کنند (بوری و همکاران، ۱۹۹۸؛ لیندبرگ و همکاران، ۱۹۹۷؛ استنکی و همکاران، ۱۹۸۵) (جدول ۴).

هرچند، تجربه اجرای تجربه اجرای چارچوبهای جایگزین در کشورهای در حال توسعه، بسیاری از موانع بالقوه را آشکار ساخته، شامل محدودیت زمانی، هزینه های جایگزین، و نیاز وسیع به منابع مالی و کارمند (برای مثال، آموزش کارکنان و جمع آوری داده ها نیاز به برنامه ریزان متبحر مناطق حفاظت شده، تامین تسهیل کننده ها و متخصصان تکنیکی و علمی) دارد (معیار ۱). چنین محدودیتهایی حتی ممکن است موانع بزرگتری برای کشورهای در حال توسعه باشند.

چهارچوبهای جایگزین، وضعیت سایت را بازنگری می کنند، موثر بودن مدیریت سایت را ارزیابی می کنند و تاکید بر منطقه بندی را برای حفاظت بیشتر مناطق پرت یا بکر را افزایش می دهند که همگی توانایی مدیران را به طور بالقوه برای ارزیابی، مدیریت و حداقل کردن اثرات، بالا می برند (مک کول و کول، ۱۹۹۷) (معیار ۲).

هرچند، در کشورهای در حال توسعه، مدیران مناطق حفاظت شده در انتخاب شاخصها، مشخص کردن استانداردها و اجرای برنامه های بازنگری، مشکلاتی را تجربه کرده اند (مک کول و کول، ۱۹۹۷؛ USDI، ۱۹۹۷). بعلاوه، دانش علمی کافی درمورد اثرات مختلف بازدیدکنندگان وجود ندارد، قضاوتهای شخصی هنوز برای تنظیم استانداردها استفاده می شوند و اعمال مدیریتی در زمان توسعه استانداردها همیشه اجرا نشده اند (هاف و لایم، ۱۹۹۷؛ مک کوی و همکاران، ۱۹۹۵؛ USDI، ۱۹۹۷). دوباره، دسترسی به تفریح و تحقیقات جهانگردی آشنا با چهارچوبهای جایگزین، برنامه های بازنگری و سایر تخصصهای عیب یابی احتمالا در کشورهای در حال توسعه مشکل تر هم هستند.

چهارچوبهای جایگزین به علت های چندگانه ی اثرات می پردازند، بر ترک اثرات و فرایند اثرات تاکید می کنند و انتخاب از بین مجموعه استراتژیها و فعالیتهای مدیریت را تسهیل می کنند (و بنابراین از تاکید غیرضروری بر مقررات و محدودیتهای استفاده بازدیدکنندگان اجتناب می شود). (مک کول و کول، ۱۹۹۷) (معیار ۳ و ۴).

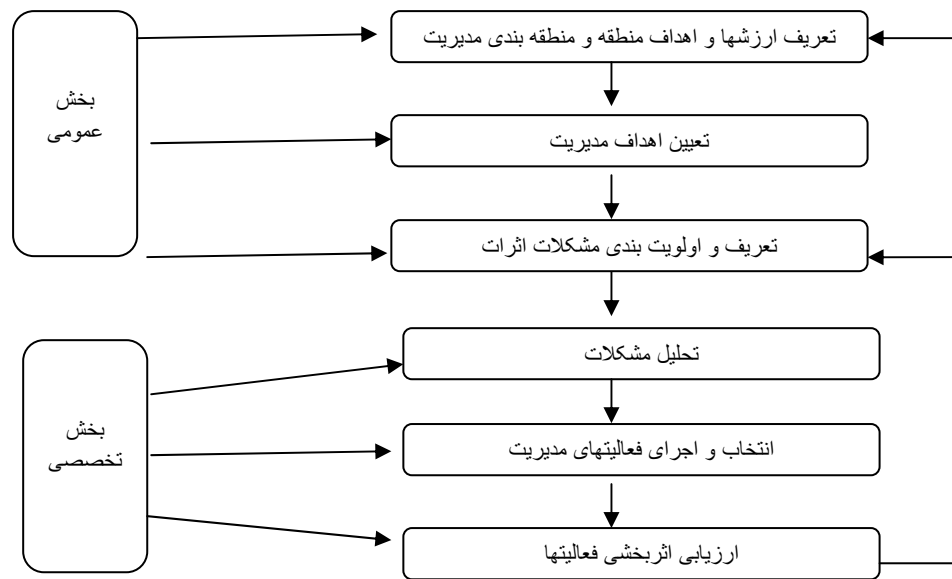
چهارچوبهای جایگزین، تصمیمات قابل دفاع تری را ایجاد می کنند زیرا فرایند آنها، زمینه سیستماتیک و یکپارچه ای برای تصمیم گیری ایجاد می کند، مشارکت عمومی را منسجم می کند و اتفاق نظر عمومی ایجاد می کند و شامل بازنگری یا تصمیمات مدیریتی حمایتی هستند و موفقیت فعالیتهای اجرایی را ارزیابی می کنند (مک کول، ۱۹۹۴؛ مک کول و کول، ۱۹۹۷، ۱۹۹۷) (معیار ۵).

چهارچوبهای جایگزین، همچنین تلاش می کنند تا تصمیمات فنی را از قضاوتهای ارزشی جدا کنند (مک کول و کول، ۱۹۹۷) (معیار ۶). این چهارچوبها، بحث درباره ی اینکه چه میزان اثرات القایی انسان، قابل قبول است را براساس الزامات قانونی و سایر فاکتورها تشویق می کنند، توازن بین اهداف رقابتی را مشخص می کنند، اهمیت منابع منطقه و ارزشهای آن را تعیین می کنند و به طور واضحی نشان می دهند که چگونه ارزشها و قضاوتهای انسان وارد تصمیم گیری می شود.

عنصر کلیدی دیگر در چهارچوبهای جایگزین، مشارکت عمومی و توان باتلقوه ی آن در وواردکردن نیازهای مردم محلی به منابع است (معیار ۷ و ۸). در حال حاضر، مشارکت عمومی قابل ملاحظه ای در LAC در کشورهای در حال توسعه اتفاق نیفتاده است، احتمالا به این دلیل که این کشورها، قوانین رسمی درمورد نیاز به آن ندارند یا به دلیل عدم تمایل مدیریت به کنترل بازدهی تصمیمات (جیونگو و همکاران، ۱۹۹۴؛ پیمبرت و پرتی، ۱۹۹۵). شرکت کنندگان در کارگاهها مشخص کردند که ارتباط تاریخی بین ساکنین محلی و آژانسهای مدیریت مناطق حفاظت شده نیز مهم است. هرچند، چهارچوبهای جایگزین، به راحتی چنین مشارکتی را در نظر می گیرند که می تواند تاثیر مردم محلی در تصمیم گیری را افزایش دهد، استفاده مدیریت از دانش و تجربه ی مردم محلی و سایر ذینفعان را افزایش دهد و حمایت مردم محلی و پیروی آنها از مقررات و قوانین را افزایش دهد (مک کول و همکاران، ۱۹۹۵؛ پیمبرت و پرتی، ۱۹۹۵؛ پرتی، ۱۹۹۴).

۹- پیشنهاد چارچوب مدیریت بازدیدکنندگان در مناطق حفاظت شده

چارچوب مدیریت اثرات بازدیدکننده در مناطق حفاظت شده (PAVIM) مثل ظرفیت تحمل، محدودیتهای مدیریت را در نظر می گیرد و از طرفی مثل LAC، تحلیل مشکلات اثرات، انعطاف در انتخاب استراتژی چندگانه و مشارکت عمومی را شامل می شود. PAVIM فرصتهای مدیریت و مشکلات اثرات بازدیدکننده را مشخص می کند، شامل مرحله ی تحلیل مشکلات با استفاده از پنل متخصصان است و شاخصها، بازنگری و استانداردها و نتایج را در مراحل انتخاب، اجرا، ارزیابی فعالیتهای مدیریت اثرات بازدیدکننده جایگزین می کند (شکل ۳).



شکل ۳. چارچوب مدیریت اثرات بازدیدکننده در مناطق حفاظت شده (PAVIM)

۹-۱- مشارکت عمومی و پنل تخصصی

PAVIM شامل مشارکت عمومی و پنل تخصصی است زیرا تصمیمات مدیریت در اصل اجتماعی و سیاسی است تا فنی (مک کول و کول، ۱۹۹۷). بخش "عمومی" شامل ساکنین محلی، بازدیدکنندگان و سایر ذینفعانی است که می خواهند در تصمیم گیری شرکت کنند. مشارکت عمومی بخصوص در سه مرحله اول مطرح است تا ارزشها و اهداف، اهداف مدیریت، مشکلات اثرات و قابل قبول بودن اثرات را تعیین کند ولی می تواند در ادامه ی فرایند نیز اتفاق بیفتد. این فرایند بستگی به تعداد مردم شرکت کننده و به بحث انگیز بودن موضوع دارد. مدیران مناطق حفاظت شده نقش مهمی در توسعه برنامه های مشارکت عمومی دارند زیرا آنها مسوول تنظیم نیازها و علایق بازدیدکنندگان و ذینفعان با الزامات حفاظت منابع و محدودیتهای مدیریت هستند (سبالس-لسکرین، ۱۹۹۶).

پنل تخصصی، با مدیران مناطق حفاظت شده و کارکنان برای تحلیل مشکلات اثرات، انتخاب فعالیتهای مدیریت و ارزیابی موثر بودن استراتژی همکاری می کنند. پنل از افرادی با تخصصهای مرتبط با مهم ترین مشکلات مدیریتی تشکیل شده است. برای مثال، اثرات مشخص شده توسط یک موضوع مصاحبه در ولکان پوز، شامل فرسایش ناشی از تریل ها، ازدحام و شکار غیرقانونی و ماهیگیری بود.

بنابراین، پل می تواند شامل اشخاصی با دانش علوم انسانی و پیشینه ی مدیریت اثرات بازدیدکننده و افرادی آگاه درباره ی شکار توسط مردم محلی باشد. متخصصان می توانند شامل مردم محلی، نمایندگان ادارات، محققان، کارکنان سازمانهای غیردولتی و سایر افراد از سطوح محلی، ملی یا بین المللی باشد. متخصصان از مردم بخش عمومی جدا شده اند زیرا آنها به دلیل تخصصشان توسط مدیران مناطق حفاظت شده برای مشکلات مشخص منصوب یا انتخاب می شوند. ممکن است بین بخش عمومی و تخصصی که به عنوان نمایندگان بخش عمومی انتخاب شده اند همپوشانی باشد.

استفاده های مشابه از پل تخصصی در جاهای دیگر پیشنهاد شده است. لورنس (۱۹۹۲) پیشنهاد می دهد که پل تخصصی، شاخصهای اثرات محیطی و اجتماعی مرتبط با جهانگردی را انتخاب کنند. چمبرلین (۱۹۹۷) ملاقات بین نمایندگانی از صنعت جهانگردی، ساکنین محلی، حفاظت کنندگان و کارکنان دولتی را پیشنهاد می دهد تا بازنگری پروژه ها و اثربخشی تصمیمات ظرفیت تحمل را رهبری کنند. هاف و لایم (۱۹۹۷) تشکیل یک پل تخصصی برای بررسی منابع موجود و وضعیت آنها و کار با کارکنان منطقه حفاظت شده را پیشنهاد می دهد تا مواردی را برای شاخصها و استانداردها، برنامه های بازنگری و فعالیتهای مدیریتی توصیه کنند.

۹-۲- مراحل PAVIM

PAVIM یک فرایند تکراری، منعطف و شش مرحله ای است که مشارکت کنندگان در آن می توانند به طور همزمان نتایج منطقه بندی، مقبولیت اثرات مختلف و اجرای تکنیکهای متنوع مدیریتی را که همگی به عنوان وجوه مهم چارچوب تصمیم گیری هستند درنظرگیرند (مک کول، ۱۹۹۴).

مرحله ۱: تعریف ارزشها و اهداف منطقه و منطقه بندی مدیریت

هدف این مرحله، مشخص کردن ارزشهای طبیعی، فرهنگی و تفریحی و سایر منابع برای توضیح هدف منطقه حفاظت شده و اهمیت آن و طراحی منطقه بندی مدیریتی است (شکل ۳). موضوعات اثرگذار بر منطقه بندی شامل تسهیلات، دسترسی و زیرساختها، مکان جاذبه ها، موقعیت اجتماعی و منابع، استفاده مردم محلی از منابع و سایر الزامات، فعالیتهای تفریحی، جدیت مدیریت و سایر ملاحظات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است. مشارکت عمومی بین مدیران زمین و بخش عمومی، جهت ایجاد درک مشترک درباره ی اهداف منطقه حفاظت شده و منطقه بندی مدیریت، در برنامه گنجانده شده است. برای مثال، منطقه بندی ممکن است برای جداسازی انواع یا سطوح تعارضات بالقوه بازدید یا تنظیم انواع یا سطوح بازدید با قابلیت منابع به کار رود (لنج و مارین، ۱۹۹۹).

مرحله ۲. تعیین اهداف مدیریت

هدف گام ۲ مشخص کردن اهداف مدیریت برای هرمنطقه براساس قوانین موجود، سیاستهای آژانس صاحب قدرت و مشارکت ذینفعان و مدیریت است (شکل ۳). این گام با تاکید بر اهمیت تعریف واضح و بیان اهداف تجویزی مدیریت به وضوح از گام ۱ متفاوت می شود. اهداف باید مشخص، واقعی، قابل دسترس و زمان بندی شده باشند و باید توافق بین استفاده های رقابتی منابع را بازتاب کنند. موقعیتهای مطلوب مدیریتی، اجتماعی و منابع باید مشخص شده و در اهداف تعیین شده برای هرمنطقه نمود یابند. برای مثال، اهداف موقعیت اجتماعی که تجارب مطلوب بازدیدکننده را برای مناطق تعیین می کنند ممکن است برحسب تعامل با کارکنان پارک، میزان یا نوع استفاده بازدیدکننده، ارتباط یا نزدیکی به محیطهای طبیعی و سطح آگاهی، تلاش یا ریسک موردنیاز برای تجربه منطقه مشخص شوند. این

اهداف مدیریت، وضوح بیشتری را نیاز دارند تا از ارزیابی قابل قبول بودن اثرات انسانی پشتیبانی کنند و انتخاب پاسخهای مناسب مدیریتی را رهبری کنند. برای مثال، اهداف منابع که تعیین کننده ی وضعیت مطلوب تریل ها هستند می توانند برای درجه قبول، ارزیابی شوند درحالیکه اهداف موقعیت مدیریتی باتوجه به سطح یا نوع توسعه تسهیلات می تواند در انتخاب فعالیتهای اصلاحی هدایت کننده باشند.

مرحله ۳: تعیین اولویت بندی مشکلات اثرات

هدف گام ۳، تعیین و اولویت بندی آن دسته از مشکلات اثرات مرتبط با بازدیدکننده است که حدس می زنیم که موقعیتهای اجتماعی، منابع و مدیریتی توضیح داده شده در اهداف مدیریتی برای هرمنطقه را نادیده بگیرند (شکل ۳). مشکلات به اثرات نامطلوب مشخص بازدیدکننده و منابع برمی گردند مثل آشفتگی حیات وحش، فرسایش تریل ها، تحلیل جنبه های جاذبه ای، آسغال و ازدحام و تعارضات بازدیدکنندگان. دسته ای از مشکلات توسط کارکنان مناطق حفاظت شده و بخش عمومی در فرایند طوفان مغزی تعیین شده است. سپس، یک لیست اولویت بندی شده در شناخت منابع مدیریتی محدود در دسترس ایجاد شده. اساس این لیست، انواع منابع تأثیرپذیرفته، هزینه های به وجودآمده برآثر نپرداختن به مشکل، توانایی مدیریت در پرداختن به مشکل و نیز اثرات بر تجارب بازدیدکننده، مردم محلی و منابع طبیعی و فرهنگی است. این فرایند برای تعیین پذیرش نسبی اثرات استفاده می شود و به پند تخصصی در تحلیل آن اثرات کمک می کند. اولویتهای همچنین می توانند با استفاده از تکنیکهای مدیریت ریسک تعیین شوند که شدت، طول مدت، گستره ی فضایی اثر و شکنندگی منابع اثرپذیرفته را درنظرمی گیرند (کول و لندرس، ۱۹۹۶).

مرحله ۴: تحلیل مشکل

هدف مرحله ۴، تحلیل با مشارکت پند تخصصی و کارکنان منطقه حفاظت شده است (شکل ۳). اعضای پند براساس دانش شان از مشکلات اثرات و تجربه شان در حل مشکلات مشابه در سایر مناطق حفاظت شده انتخاب می شوند. تحلیل مشکلات شامل بازدید از سایت برای دیدن مشکلات اثرات در سایت و بحث درمورد آنها، ارزیابی آنها در طی زمان و اثربخشی هرگونه مداخله مدیریت است. اعضای پند همچنین ممکن است سایر مشکلات اثرات را برای ارزیابی و اعمال مبتکرانه شناسایی کنند. یک فرایند پیشنهادی تحلیل مشکلات، در جدول ۵ نشان داده شده است. این فرایند بر ملاحظه دقیق دلایل مشکلات اثرات (مثل رفتار نامناسب بازدیدکنندگان) و سایر عوامل موثر (مثل گیاهان شکننده) و نقش مکان یابی تسهیلات، طراحی و نگهداری تاکید می کند. فهم کلی از فرایند اثرات برای مشخص کردن پاسخهای موثر مدیریت، حیاتی است. اعضای پند همچنین، می توانند بازنگری یا تحقیق را درنظر بگیرند.

مراحل تحلیل مشکل
۱. تعیین و ارزیابی مشکل
الف. بیان مشکل (مشکلات): خلاصه ی کوتاهی که مشکلات اولیه اثرات بازدیدکننده بر روی منابع و مشکلات اجتماعی را توضیح می دهد
ب. توضیح مشکل (مشکلات): توضیح کوتاهی از هر اثر
پ. تاریخچه و زمینه مشکل (مشکلات): خلاصه ای که مشکل چگونه ایجاد شد، مداخلات قبلی مدیریت و اثرات آنها
ج. علل و عوامل تأثیرگذار: ارزیابی علل اصلی و عوامل تأثیرگذار که ممکن است اثرات را تشدید کنند. درنظرگرفتن عوامل مرتبط با استفاده کننده (مثل نوع و میزان استفاده بازدیدکننده، رفتار بازدیدکننده و تراکم استفاده)، عوامل محیطی (مثل تیپولوژی، خاک و نوع پوشش گیاهی) و عوامل مدیریتی (مدیریت بازدیدکننده و قرارگیری، طراحی، بنا و نگهداری تسهیلات).
۱۱. تعیین و ارزیابی استراتژیها و تاکتیکها

الف. لیستی جامع از استراتژیها و تاکتیکهای بالقوه و مناسب مدیریتی تهیه کنید.

ب. اثربخشی بالقوه، عملی بودن به لحاظ مدیریتی (هزینه، کارمندیابی، نگهداری طولانی مدت)، هزینه های آزادی-رضایت بازدیدکننده برای هر استراتژی و تاکتیک را ارزیابی کنید.

جدول ۵. تحلیل مشکلات برای مدیریت اثرات اجتماعی بازدید و اثرات بر منابع

مرحله ۵: انتخاب و اجرای استراتژیها و تاکتیکهای مدیریت

هدف مرحله ی ۵، انتخاب و اجرای استراتژیها و تاکتیکهای مدیریت است تا مشکلات مدیریت اثرات بازدیدکننده را اولویت بندی کند (شکل ۳). طیف کامل استراتژیهای در دسترس شامل این موارد است: کاهش استفاده از تمام منطقه، کاهش استفاده از مناطق دارای مشکل، تغییر زمان استفاده، تغییر نوع استفاده و رفتار بازدیدکننده، تغییر انتظارات بازدیدکننده، افزایش پایداری منابع و نگهداری یا توان بخشی منابع (کول و همکاران، ۱۹۸۷؛ همیت و کول، ۱۹۹۸). تاکتیکها، راههای رسیدن به استراتژیها هستند، مثل ایجاد پیامهای آموزشی برای تشویق کاهش اثرات رفتار بازدیدکننده، یا تدارک تسهیلات و تریل ها برای افزایش پایداری منابع (اندرسون و همکاران، ۱۹۹۸). فایده اصلی استفاده از پنل های تخصصی، برای تعیین و ارزیابی جایگزین ها، دانش عمیق شان از فرایند اثرات و نیز از اقدامات موفق مدیریت که در سایر مناطق به کار گرفته شده است می باشد.

استراتژیهای جایگزین، توسط پنل و کارکنان منطقه، در حالت کلی برای ارزیابی و کاربردی بودنشان مورد بحث قرار می گیرند. مناسب بودن هر نوع استراتژی معین به منطقه بندی و اهداف مدیریت، امکان سنجی مدیریت، پذیرش بخش عمومی، اثربخشی بالقوه، تاثیر بر سایر اثرات و نتایج برای بازدیدکنندگان بستگی دارد (لومیس و گراف، ۱۹۹۲). برای مثال، استراتژیهای غیرمستقیم مثل آموزش، بیشتر متوجه بازدیدکنندگان است در مقایسه با استراتژیهای محدودکننده مثل کمپ های طراحی شده برای سایت (مک کول و کریستینس، ۱۹۹۶). بنابراین، فعالیتهای تاکتیکهای معین مدیریتی برای اجرای استراتژی انتخاب شده، تعیین می شوند. ممکن است مدیران بخواهند با نمایندگان بخش عمومی، قبل از نهایی کردن انتخاب استراتژیها و تاکتیکها مشورت کنند. سپس، اقدامات انتخاب شده، توسط مدیران اجرا می شوند.

مرحله ۶: ارزیابی اثربخشی اقدامات

هدف مرحله ی ۶، ارزیابی اثربخشی اجرای استراتژیها و تاکتیکها است (شکل ۳). پنل تخصصی و کارکنان منطقه حفاظت شده، اقدامات مدیریتی از پیش انجام شده و موفقیت آنها در برطرف کردن مشکلات اجتماعی و منابع هدف را مرور می کنند. هزینه ها مثل نیازهای مالی و کارمندیابی و نیز ایجاد محدودیت برفعالیت بازدیدکنندگان، ارزیابی می شوند. ممکن است مشارکت نمایندگان بخش عمومی در این مرحله برای ارزیابی و تعریف مشکلات و راه حلهای جایگزین و پیش بینی پذیرش عمومی با توجه به راه حلهای ترجیحی، مطلوب باشد. سپس، توصیه ها برای ادامه یا تعدیل اقدامات قبلی یا تغییر به اقدامات جایگزین، ارائه می شوند. اگر بودجه و زمان کارمندیابی وجود داشته باشد، ممکن است مدیران پیمایش بازنگری اثرات بازدیدکننده را برگزینند (برای مثال، ارزیابی پهنا و عمق تریل یا اندازه و موقعیت خاک سایت تفریحی) (ماربون و لنج، ۱۹۹۱). مدیران همچنین می توانند داده های کیفی را جمع آوری کنند (مثل گزارشها و یادداشتهای نوشته شده توسط کارکنان که مشکلات خاص و فعالیتهای موفق انجام شده برای حل این مشکلات را ثبت کرده اند).

۹-۳- نقد چارچوب PAVIM

PAVIM نیز مثل سایر چارچوبها برحسب ۸ معیار مطلوب که پیش تر تعیین شده بودند ارزیابی می شود (جدول ۴). PAVIM پیچیده تر از ظرفیت تحمل است ولی آسان تر، منعطف تر، ارزان تر و اجرای آن ساده تر از چارچوبهای جایگزین است (معیار ۱). یکی از موضوعات مصاحبه مشخص کرد که تحقیق گسترده، لیست سیاه و مطالعات بازنگری که در سایر چارچوبها مورد نیاز است با بودجه محدود آنها امکان پذیر نیست. هزینه های اولیه PAVIM، بستگی به برنامه های مشارکت عمومی و پل تخصصی دارد، هرچند ممکن است متخصصان محلی در دسترس باشند و هزینه ها توسط سازمانهای غیردولتی پرداخت شود.

از میان برداشتن مراحل شامل شاخصها، بازنگری و استانداردها، تا اندازه ای توانایی PAVIM را برای ارزیابی و تعیین علل اصلی اثرات در مقایسه با چارچوبهای جایگزین محدود می کند (معیار ۳ و ۲). بدون در دست داشتن اطلاعات، اثرات ممکن است اشتباه اولویت بندی شوند، درمورد آنها قضاوت اشتباه صورت بگیرد و یا سایر اثرات نادیده گرفته شوند. درک علل اثرات ممکن است برای انتخاب اقدامات مدیریت یا تطبیق اجرا ناکافی باشد. بعلاوه مثل سایر چارچوبها، ممکن است مدیران تنها بعد از شدت یافتن فرسایش، عکس العمل نشان دهند یا راهبردهای ناکافی مدیریت ممکن است منجر به تخریب وضعیت منابع به دلیل استفاده مدیریت نشده بازدیدکننده شود (شیندلر، ۱۹۹۲).

هرچند، علم مورد نیاز برای ارزیابی مدیریت اثرات در چارچوبهای جایگزین بعضی اوقات غیرقابل دسترسی یا ناکافی است، الزام مدیرانی که باید تصمیمات عمومی سیاست را اتخاذ کنند را کمک نمی کند و نیازهای بخش عمومی و فضاوت متخصصان در تعیین آنچه قابل پذیرش است را رفع نمی کند (مک کول و کول، ۱۹۹۷). برعکس، پل تخصصی هنوز از اطلاعات کمی و کیفی به عنوان ابزارهای تصمیم گیری استفاده می کند ولی نهایتاً به تجارب و نظرات شخصی و حرفه ای اتکا می کند. متخصصان بعضی اوقات متکی بر نظر شخصی و مستقل از مدیریت هستند و آموزش های وسیع دیده اند. آنها نظرات کارشناسی را ارائه می دهند که ممکن است در ادارات مدیریت، غیرقابل دسترس باشند و قادرند تا تجارب سایر مناطق را به کارگیرند، تصمیمات جدید و ابزارهای مدیریت را اعمال کنند، مشکلات را تشخیص و تحلیل کنند و در پیدا کردن بهترین راه حلها مفید و موثرند (بوئر، ۱۹۸۲؛ کن بک، ۱۹۹۸).

همچنین، مدیران باید بدانند که احتمال دارد که متخصصان به دلیل فکر کردن به پیشینه و تجاربشان که ممکن است برای موقعیتهای سایر کشورها یا مناطق دیگر، قابل به کارگیری نباشند، دچار ارباب شوند. همچنین ممکن است این متخصصان در هنگام نیاز، گران و غیرقابل دسترس باشند. ممکن است با یکدیگر در مورد ماهیت یا اهمیت مشکلات یا چگونگی پرداختن به این مشکلات تفاهم نداشته باشند، یا ممکن است برای داشتن همکاری خوب مجبور به جانبداری باشند (کلی، ۱۹۷۹؛ اسمیت، ۱۹۹۴). بنابراین، مدیران مناطق حفاظت شده باید متخصصان را ترجیحاً در درون کشور یا منطقه گزینش کنند یا حداقل، خارجیهایی را که با کشور یا اداره ی مدیریت آشنا هستند را بپذیرند. به طور جایگزین، اشخاصی که دارای تخصص در فرهنگ محلی یا سایر موارد مرتبط با موقعیت مردم محلی و مشکلات اثرات هستند، می توانند با متخصصان در ارزیابی و مدیریت اثرات کار کنند. مدیران، همچنین باید متخصصان را از موضوعات مناسب یا محدودیتهای مدیریت آگاه سازند، سایر اطلاعات حیاتی را منتقل کنند و مباحث پل را برای تسهیل توافقات، تعدیل کنند. نهایتاً مدیران باید توصیه های پل را با سایر اطلاعات مدیریت باتوجه به محدودیتهای اجرا و سایر ملاحظات، متعادل کنند.

PAVIM برخلاف ظرفیت تحمل، برورودی ها تاکید نمی کند بلکه از یک پل تخصصی برای مرور اثرات، ارزیابی اثربخشی اقدامات گذشته مدیریت، استفاده از مجموعه ای از اندازه گیریهای جایگزین و توصیه مجموعه ای ترجیحی از اقدامات بالقوه استفاده می کند (معیار ۴). پل، یک یک فرایند تعاملی و تبادل ایده ها بین علما و سایر محققان، ساکنین محلی و کارکنان مناطق حفاظت شده را تشویق می کند. کارگاه، اجازه ی چنین تبادلی نظراتی را بین علما، تحصیلکردگان محیطی و مربان مهارتهای خارج از کلاس و مدیران مناطق حفاظت شده را ممکن می سازد. مرحله تحلیل مشکلات در PAVIM می تواند اطلاعات مقتضی مربوط به مدیریت را اجرا کند و

توجیهی برای اجرای استراتژیهای معین فراهم می کند (معیار ۵). یکی از موضوعات مصاحبه مشخص کرد که نظر و اطلاعات تخصصی اغلب منجر به پشتیبانی بیشتر اداره برای اقدامات مدیریتی است.

فرایند PAVIM مثل چارچوبهای جایگزین، می تواند منجر به مستندسازی چگونگی تعیین و ارزیابی اثرات، چه کسی در فرایند مشارکت خواهد کرد، چه معیارهایی برای تعیین قابل قبول بودن اثرات استفاده می شود و چرا استراتژی های معین مدیریتی برای آنها توصیه می شوند شود (معیار ۶).

درمقایسه با ظرفیت تحمل، نقش مشارکت عمومی در PAVIM بسیار افزایش می یابد و همچنین بهتر می تواند نیازهای مردم محلی به منابع و سیستم مدیریتی محلی را دربرداشته باشد (معیارهای ۷ و ۸). مردم محلی نه تنها در برنامه های مشارکت عمومی مشارکت می کنند بلکه همچنین می توانند به عنوان متخصص انتخاب شوند. بنابراین، بخش عمومی در تعیین نوع و اندازه ی اثراتی که در طول مرحله ی تعیین و اولویت بندی اثرات قابل پذیرش اند و با مشارکت نمایندگان عمومی منتخب در مرحله ی تحلیل مشکلات کمک کند. PAVIM می تواند به روند همیشگی که متخصصان، بدون حضور مردم محلی تعیین می کنند که کجا، کی و چقدر از منابع طبیعی توسط جوامع محلی استخراج شوند خاتمه دهد و بهتر می تواند افراد محلی را در تصمیم گیری و سیستم مدیریت منابع مناطق حفاظت شده شرکت دهد (پیمبرت و پرتی، ۱۹۹۵).

هرچند فرایند PAVIM با مشارکت عمومی هدایت می شود، پل تخصصی هنوز درمورد تعریف آنچه که اثر شناخته می شود، دلیل مهم بودن آن و اقدامی که باید برای آن صورت گیرد، قدرت زیادی دارد. هرچند، با یکپارچگی موفق مشارکت عمومی، PAVIM می تواند ساکنین محلی را نیز قدرتمند کند، تضاد بین گروههای ذینفع را کاهش دهد، دیدگاههای چندگانه درارتباط با مدیریت منابع طبیعی داشته باشد، کیفیت تصمیمات را بهبود بخشد و شبکه های غیررسمی محلی و نهادهای اجتماعی یا سیاسی را بهتر مشارکت دهد (دیویس و ویتینگتون، ۱۹۹۸؛ ترنر، ۱۹۹۹). مدیران وظیفه سخت دستیابی به این یکپارچگی و پرورش یک فرایند تصمیم مبتنی بهنگام ثمربخش را دارند تا از مشارکت بخش عمومی، کارکنان و پل تخصصی اطمینان یابند. همچنین ممکن است به کمک تسهیل کنندگان و یا متخصصان حل تعارض نیاز باشد که این کمک می تواند از سوی سازمانهای غیردولتی باشد.

۱۰- نتیجه گیری

این مقاله یک چارچوب تصمیم گیری برای مناطق حفاظت شده در چیلی، کاستاریکا، بلیز و مکزیکو را جهت مدیریت اثرات مرتبط با بازدیدکننده و توصیه استراتژیهای مناسب مدیریت پیشنهاد داد. چارچوب PAVIM تعیین حرفه ای اثرات و فرایند ارزیابی را فراهم می کند، ابزارهای ارزان و بهنگام مدیریت اثرات بازدیدکننده را ارائه می دهد و همچنین بهتر می تواند نیازهای مردم محلی به منابع و قابلیتها و محدودیتهای مدیریت را در تصمیم گیری یکپارچه کند. PAVIM، مدیریت و اجرای سریع مشکلات اثرات بازدیدکننده را در صورت نیاز با اولویت ممکن می سازد و همچنین ممکن است برای تعیین فرصتهای مدیریت به کار رود و از اثرات بازدیدکننده جلوگیری کند و می تواند در ترکیب با چارچوبهای از پیش موجود مثل ظرفیت تحمل به کار رود. PAVIM می تواند برای سایر کشورهای توسعه یافته و درحال توسعه، خارج از این تحقیق نیز مفید باشد، بخصوص اگر آنها به بازدهی پایدار دست یافته باشند، مشکلات موجود اثرات بازدیدکننده را درک کنند و روشهای تامین بودجه، مدیریت مشخص و ساختار مدیریت و پشتیبانی اداری کافی برای اطمینان از اجرای موفق ایجاد کرده باشند. سایر موضوعات مثل سیستمهای سیاسی، مختلف، تضاد بین مردم محلی و مدیران منطقه حفاظت شده و محدودیتهای فرهنگی نیز به مطلوبیت و اثربخشی بالقوه PAVIM تاثیر می گذارد.

همانطور که در ابتدا، PAVIM مفهوم بندی و به کارگرفته شد، PAVIM تنها بر آن دسته از مشکلات اثرات بازدیدکننده اشاره دارد که بر منابع طبیعی و تجارب بازدیدکنندگان تاثیر دارد. هرچند، PAVIM همچنین می تواند برای مدیریت اثرات اقتصادی واجتماعی -

فرهنگی مرتبط با بازدید و پرداختن به سایر موضوعات مدیریتی مشخص مناطق حفاظت شده نیز مفید باشد. برای مثال، یک پنل تخصصی از مردم محلی و تجارتهای جهانگردی می تواند با کارکنان منطقه حفاظت شده دیدار داشته باشد تا درباره ی بازارهای هدف بحث کنند، اهداف مدیریت را در جهت فرصتهای اقتصادی بیشتر تنظیم کند، موانع درآمد اقتصادی را شناسایی کند، این موانع و راه حلهای بالقوه طوفان مغزی را برای افزایش درآمدها تحصیل کند. PAVIM می تواند برای حل موضوعات مدیریتی مشخص و واضح مرتبط با بازدید و اثرات بازدیدکننده به کار رود ولی موضوعات برنامه ریزی و مدیریتی بزرگ تر مثل طراحی منطقه حفاظت شده و تعریف محدودیتها یا اثرات مدیریتی مرتبط با توسعه و زیرساختها و تسهیلات بازدیدکننده را دربرندارد.

اولین عیب PAVIM، کمبود اطلاعات درباره ی اثرات و قابلیت دفاع کم از تصمیمات مدیریت به دلیل نبود بازنگری و استانداردهای مشخص است. هرچند، PAVIM می تواند اطلاعات اثرات را در تصمیم گیری دخالت دهد ولی خیلی غیررسمی تر و با انعطاف پذیری بیشتر مدیریت و کاهش هزینه ها. پنل تخصصی می تواند در ارزیابی مشکلات اثرات بازدیدکننده و پیشنهاد راه حلهای بالقوه برپایه اطلاعات علمی و تخصصی و دانش و تجربه کارکنان منطقه حفاظت شده، راهگشا باشد. فرایند PAVIM همچنین منجر به تحلیل مستند مشکلات و توصیه های مدیریت و قادر ساختن مدیران به توجیه تصمیمات می شود.

PAVIM در این مقاله به عنوان گزینه ای مطلوب تر از ظرفیت تحمل و چارچوبهای جایگزین پیشنهاد شده است ولی هنوز در این زمینه آزمایش نشده است. استفاده از آن در تعدادی زیادی از مناطق حفاظت شده کشورهای درحال توسعه و توسعه یافته برای مقایسه وجوه مثبت و منفی آن نسبت به ظرفیت تحمل و چارچوبهای جایگزین می تواند مفید باشد.

مآخذ:

- ۱- ایگلز، پل و همکاران، "گردشگری پایدار در مناطق حفاظت شده"، ترجمه: مزدک دریکی، ۱۳۸۷، تهران، سازمان حفاظت محیط زیست
- ۲- میرزایی، روزبه، "شناسایی چهارچوب مناسب مدیریت همپوند گردشگری در مناطق تحت حفاظت ایران"، ۱۳۸۶، پایان نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی دکتر محمود ضیایی، دانشکده مدیریت، دانشگاه علامه طباطبائی
- ۳- ترابی، پونه، "سنجش سطح قابل قبول اثرات اجتماعی منفی دیدارکنندگان بر جامعه محلی در ایران (سکونتگاههای روستایی، حوزه تالاب پریشان)"، ۱۳۸۷، پایان نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی دکتر محمود ضیایی، دانشکده مدیریت، دانشگاه علامه طباطبائی

۴- Farrell, Tracy A., Marion, Jeffrey L., ۲۰۰۲, "The Protected Area Visitor Impact Management (PAVIM) Framework: A Simplified Process for Making Management Decisions", retrieved from: www.